

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ

سال دوم دوروی راهنمایی تحصیلی

مرحله بی دوم تعلیمات عمومی

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب: تاریخ دوم راهنمایی - ۱۲۰

مؤلفان: مسعود جوادیان، دکتر عبدالرسول خیراندیش و دکتر جواد عباسی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع: اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،

وبسایت: www.chap.sch.ir

رسم: پریچهر ششگلانی

صفحه‌آرا: علی نجمی

طراح جلد: مریم کیوان

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده‌ی مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش)

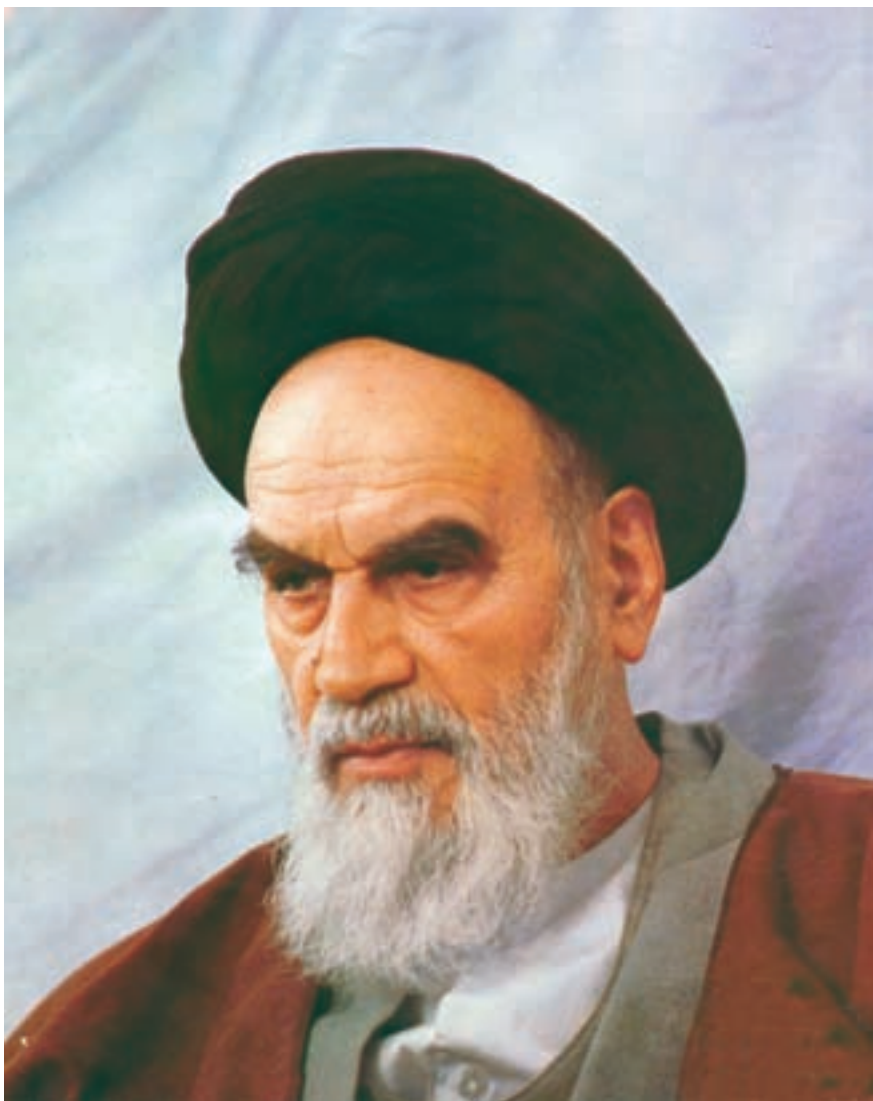
تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار: ۱۳۹۰

حق چاپ محفوظ است.

شابک ۸-۲۹۲-۰۵-۹۶۴- ISBN 964-05-0292-8



ملت ما تاریخ را تاریخ دیگر کرد. جریان تاریخ را عوض کرد.

فهرست

	درس یکم
۱	ظهور اسلام
	درس دوم
۷	پیامبر (ص) در مدینه
	درس سوم
۱۴	تاریخ اسلام پس از وفات پیامبر (ص)
	درس چهارم
۱۹	خلافت امام علی (ع) و امام حسن (ع)
	درس پنجم
۲۴	خلافت بنی امیه
	درس ششم
۲۹	خلافت بنی عباس
	درس هفتم
۳۴	تشکیل حکومت‌های مستقل در ایران
	درس هشتم
۳۹	حکومت علویان و دیلمیان
	درس نهم
۴۴	غزنویان و سلجوقیان
	درس دهم
۵۱	خوارزمشاهیان و مغولان
	درس یازدهم
۵۷	ایران در زمان تیموریان
	درس دوازدهم
۶۳	تاریخ اروپا در قرون وسطا (برای مطالعه)

سخنی با دانش‌آموزان

دانش‌آموزان عزیز

این دومین کتاب از درس تاریخ دوره راهنمایی است. در سال قبل، شما با مختصری از تاریخ ایران قبل از اسلام آشنا شدید. در این کتاب با تاریخ اسلام و تاریخ ایران بعد از اسلام آشنا می‌شوید. ایران در این دوره فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذارده است. با ورود اسلام فرهنگ و تمدن ایران در این دوره غنی‌تر و شکوفاتر شد. بسیاری از شاعران، فیلسوفان و دانشمندان مشهور ایرانی در این دوره ظهور یافتند.

باید توجه داشته باشید که این درس برای شما از اهمیت زیادی برخوردار است؛ زیرا در دوره‌ی متوسطه (دیرستان) فقط دانش‌آموزان رشته علوم انسانی درس تاریخ را به عنوان درس تخصصی خود می‌خوانند. بنابراین، دوره راهنمایی فرصتی است که در آن با تاریخ ایران و اسلام آشنا شوید.

لازم است بدانید که شما (چه دختر و چه پسر) هر رشته تحصیلی را که انتخاب کنید و در هر مسیری از زندگی وارد شوید، به دانش و بیش تاریخ نیازمند هستید؛ و هر مقدار اطلاعات تاریخی شما بیشتر باشد، موفق‌تر خواهید بود. ایران عزیز دارای گذشته‌ای خواندنی و نیز دارای میراث فرهنگی عظیمی است که آشنایی با آن‌ها، روح و جان را نشاط می‌بخشد و انسان را به وجد می‌آورد. در این کتاب با بخش کوچکی از گذشته پرافتخار ایران و اسلام آشنا می‌شوید.

به یاد داشته باشید که درس تاریخ در درجه اول، درسی فهمیدنی است، نه حفظ کردنی. هر چند برای فهم درست نیز به حافظه نیاز داریم، اما حفظ کردن به خاطر نمره گرفتن، هدف نهایی این درس نیست. هدف اساسی آموزش تاریخ، فهم مطالب و اندیشه کردن درباره حوادث و تحولات تاریخی است.

گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

دبیران گرامی

با سلام و سپاس و دعوت همکاران محترم به آشنایی هر چه بیشتر با اصول و روش‌های مطلوب آموزشی و با آرزوی توفیق شما عزیزان در تربیت نسل جوان، ذکر چند نکته درباره‌ی تدریس این کتاب ضروری به نظر می‌رسد:

۱- جلب توجه دانش‌آموزان به موضوع هر درس، شرط اساسی آموزش آن است. بنابراین، شایسته است اهمیت یادگیری و هدف از آموزش تاریخ در فرصت‌های مختلف به دانش‌آموزان یادآوری شود.

۲- در امر آموزش، فهمیدن و رشد و پرورش قوه‌ی تفکر و دست‌یافتن به بینش صحیح در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد؛ بنابراین، معلمان محترم باید روشی را به کار گیرند تا دانش‌آموزان به جای حفظ کردن محض مطالب، قدرت درک و تجزیه و تحلیل مفاهیم و مسائل را پیدا کنند. استفاده از روش‌های فعال تدریس، مانند تشویق دانش‌آموزان به مطالعه و نیز مباحثه‌ی گروهی و بهره‌گیری از روش پرسش و پاسخ در کلاس درس، در این مورد سودمند خواهد بود. پیش‌بینی بعضی پرسش‌ها در متن درس‌ها یا درباره‌ی نقشه‌ها و عکس‌ها نیز به همین منظور انجام گرفته و لازم است تا حد امکان در موارد دیگر نیز این کار انجام شود. شنیده می‌شود برخی از مدیران محترم مدارس، به دبیران توصیه می‌کنند، به جای استفاده از کتاب درسی، از جزوه استفاده کنند و به ارائه چند پرسش همراه با پاسخ آن اکتفا ورزند. خواهشمندیم از این کار خودداری فرمایند، زیرا موجب عدم تحقق اهداف آموزشی و به هدر رفتن سرمایه‌های ملی است.

۳- در ارزش‌یابی توجه به سه نکته ضروری است:

اول- در ارزش‌یابی از هر درس، محور اصلی، مطالب مهم و مفاهیم عمده‌ی آن درس است. به همین دلیل، سؤالات امتحانی نباید از میان مطالب فرعی و حاشیه‌ای که بیشتر به منظور حفظ رشته‌ی مطالب در کتاب آورده شده است، برگزیده شود. از میان سال‌های ذکر شده در کتاب نیز تنها به خاطر سپردن سال‌های بسیار مهم لازم است.

دوم — ارزش‌یابی باید به گونه‌ای باشد که به جای سنجش توانایی «حفظ مطالب» بر «فهم و دریافت» درست آن‌ها تأکید داشته باشد. از این رو، روش‌هایی چون تبدیل مطالب کتاب به یک مجموعه‌ی سؤال و جواب و ارائه‌ی آن‌ها به دانش‌آموزان، برخلاف اهداف کتاب است. استفاده از کتاب‌ها یا جزوه‌هایی نیز که به این سبک تألیف شده‌اند، به این مشکل دامن می‌زند.

سوم — در مورد آن چه با عنوان «پرسش و جست‌وجو» در پایان هر درس آمده، توجه به نکات زیر ضروری است: بعضی پرسش‌ها برای سنجش میزان یادگیری دانش‌آموزان از مطالب درس مورد نظر هستند؛ به عبارت دیگر، پاسخ آن‌ها به طور روشن و مستقیم در متن درس وجود دارد اما بعضی دیگر از پرسش‌ها برای انجام فعالیت‌های فکری و تحقیقی توسط دانش‌آموزان پیش‌بینی شده‌اند و ممکن است پاسخ آن‌ها به طور آشکار در متن درس وجود نداشته باشد یا مستلزم مقایسه‌ی مطالب چند درس باشد. در هر حال، توجه داشته باشید که پرسش‌ها فقط نمونه هستند و نباید در ارزش‌یابی تنها بر آن‌ها تکیه کرد.

۴ — در جریان تدریس، تا حد امکان از وسایل کمک آموزشی موجود در کتاب، از قبیل نقشه، نمودار، عکس و فیلم و نیز دیگر وسایل کمک آموزشی موجود در مدرسه استفاده شود.

۵ — از فرصت‌هایی که در مدرسه برای گردش علمی یا اردوهای دانش‌آموزی پیش می‌آید، برای تعمیق آموخته‌های تاریخی دانش‌آموزان نیز بهره‌برداری شود.

۶ — مجله‌ی «رشد آموزش راهنمایی تحصیلی» و نیز «رشد آموزش تاریخ» دو مجله‌ای است که با هدف اعتلای دانش معلمان محترم و آشنا ساختن آن‌ها با روش‌های سودمند تدریس و اهداف کتاب‌های درسی، توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی منتشر می‌شود. مطالعه‌ی مستمر این مجله‌ها را به همکاران گرامی توصیه می‌کنیم.

۷ — مطالبی که با زمینه‌ی رنگی چاپ شده، تنها برای مطالعه دانش‌آموزان است و نیازی نیست که در تدریس و ارزش‌یابی لحاظ گردد.

گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

ظهور اسلام

سرزمین عربستان

همان طور که می دانید، اسلام از سرزمین عربستان طلوع کرد.

با استفاده از نقشه، به این پرسش ها پاسخ دهید :

- ۱ - عربستان در کدام قسمت قاره ی آسیا قرار دارد؟
- ۲ - دریاها و سرزمین های اطراف عربستان کدام اند؟
- ۳ - نام سرزمین جنوبی عربستان چیست؟ به نظر شما چرا به رنگ نقشه ی ایران است؟
- ۴ - حجاز در کدام قسمت عربستان واقع است؟
- ۵ - شهرهای مهم عربستان در کدام قسمت آن قرار دارند؟



زندگی و عقاید دینی مردم عربستان پیش از اسلام

اعراب که ساکنان سرزمین عربستان هستند در گذشته به صورت قبیله‌ای زندگی می‌کردند. از مهم‌ترین قبایل عرب، قبیله‌ی قریش بود که در حجاز زندگی می‌کردند. مکه و یثرب و طائف از شهرهای مهم حجاز بود که در مسیر حرکت کاروان‌های تجاری از هند و یمن به شام قرار داشت. پیامبرانی چون حضرت هود (ع) و حضرت صالح (ع) به ترتیب در جنوب و شمال عربستان مبعوث شدند. حضرت ابراهیم (ع) نیز مدتی در عربستان و مکه به سر برده است. تعدادی از مردم عربستان پیرو حضرت ابراهیم (ع) بودند، اما بیشتر آن‌ها با گذشت زمان به بت پرستی روی آورده و خانه‌ی کعبه را که حضرت ابراهیم (ع) آن را محل پرستش خدا قرار داده بود به بت‌خانه تبدیل کرده بودند. در چنین شرایطی اسلام در عربستان ظهور کرد.

حضرت محمد (ص)، آخرین پیامبر الهی

حضرت محمد (ص) در شهر مکه به دنیا آمد. او دوران جوانی خود را در مکه گذراند. مردم مکه که درستکاری محمد (ص) را می‌دیدند، به او «امین» لقب داده بودند. محمد امین باور ستم‌دیدگان بود و به افراد ضعیف و فقیر کمک می‌کرد. در بیست سالگی او و عده‌ای از جوانان مکه برای کمک به ستم‌دیدگان پیمانی بستند. حضرت محمد (ص) در سن بیست و پنج سالگی، با سرمایه‌ی زنی پاک‌دامن و محترم به نام خدیجه، برای تجارت به شام رفت. شهرت او به امانت‌داری و درست‌کاری، باعث شده بود تا خدیجه، سرمایه‌ی خود را برای تجارت در اختیار وی قرار دهد. صفات پسندیده حضرت خدیجه، زمینه‌ی ازدواج او را با حضرت محمد (ص) فراهم کرد. تولد حضرت فاطمه‌زهرا (س)، بانوی بزرگوار اسلام از نتایج این ازدواج بود.

بعثت حضرت محمد (ص) به پیامبری

حضرت محمد (ص)، یک ماه از سال را برای تفکر و عبادت، به غار جرا می‌رفت. سرانجام در همان جا خداوند او را به پیامبری مبعوث کرد. در آن هنگام، پیامبر (ص) چهل سال داشت. او از جانب خداوند مأمور شد تا مردم جهان را به پرستش خدای یکتا، دست برداشتن از بت پرستی، ایمان به روز رستاخیز و قبول پیامبری خود دعوت کند. اولین کسانی که در همان آغاز ایمان آوردند، حضرت علی (ع) پسر عموی پیامبر و حضرت خدیجه (س)، همسر ایشان بودند.



غار حرا

شروع دعوت آشکار

رسول گرامی اسلام تا سه سال مردم را به طور پنهانی به دین اسلام دعوت می کرد. در این مدت، عده‌ی کمی از مردم مکه به او ایمان آوردند. پس از آن، خداوند آن حضرت را مأمور کرد تا دعوت خود را آشکار سازد و پیش از همه، اقوام و خویشانش را به پرستش خدای یگانه و ترک بت‌ها دعوت کند. پس، پیامبر اسلام اقوام و خویشان خود را در یک جا گرد آورد و با آنان سخن گفت. او در سخنان خود، آن‌ها را به دوری از شرک و بت پرستی و اطاعت از فرمان‌های خداوند دعوت کرد و فرمود: «هرکس نخست ایمان بیاورد، برادر و جانشین من خواهد بود.» به نوشته‌ی مورخان از آن جمع، تنها علی (ع) ایمان قلبی خود را آشکارا بیان کرد و پیامبر (ص) نیز او را به عنوان جانشین خویش معرفی نمود. پس از این واقعه پیامبر با یاری خدای بزرگ به تبلیغ اسلام پرداخت و به تدریج بر تعداد مسلمانان افزوده شد.

شروع آزار مسلمانان به وسیله‌ی مشرکان

مخالفان اسلام، یعنی اشراف قریش که برده‌دار و ستمگر بودند، از پیشرفت اسلام احساس خطر می کردند؛ زیرا می دانستند این دین الهی مخالف ظلم و ستم است و براساس تعالیم آن برده‌ای چون

بلال حبشی با سایر مردم تفاوتی ندارد. مشرکان برای جلوگیری از گسترش اسلام، کوشیدند با فریب کاری و دادن انواع وعده‌ها، رسول خدا را از ادامه‌ی دعوتش باز دارند اما پیامبر (ص) وعده‌های آنان را نپذیرفت و با ایمان استوار به راه خود ادامه داد. از آن پس، مشرکان به آزار و شکنجه‌ی مسلمانان پرداختند. با وجود آزار مشرکان، رسول خدا و مسلمانان با صبر و بردباری به تبلیغ اسلام ادامه دادند. پیامبر (ص) آیات قرآن را برای مردم می‌خواند و تعالیم اسلام و احکام الهی را به آنان عرضه می‌کرد. در نتیجه‌ی این تلاش‌های خستگی‌ناپذیر روز به روز بر تعداد مسلمانان افزوده می‌شد.

هجرت گروهی از مسلمانان به حبشه

هر چه تعداد مسلمانان بیشتر می‌شد، خشم و کینه‌ی مشرکان نسبت به اسلام و مسلمانان شدت بیشتری می‌یافت. در این زمان، مهم‌ترین دشمنان اسلام، ابوجهل، ابولهب و ابوسفیان بودند. به تدریج، شدت آزار مشرکان به حدی رسید که پیامبر اسلام، به تعدادی از مسلمانان دستور داد مکه را ترک کنند و به حبشه بروند. سرپرست مسلمانانی که به حبشه مهاجرت کردند، جعفر بن ابی طالب بود. برای آشنایی با مسیر این گروه از مهاجران به نقشه‌ی صفحه‌ی بعد نگاه کنید.

مشرکان مکه شخصی به نام عمرو عاص را با هدایای بسیار نزد پادشاه حبشه فرستادند و از او خواستند که مسلمانان را به آن‌ها تحویل دهد. پادشاه حبشه – که از پیروان حضرت عیسی (ع) بود – پس از آن که درباره‌ی عقاید مسلمانان تحقیق کرد و دانست که خدای یکتا را می‌پرستند و به پیامبران الهی اعتقاد دارند، هدایای مشرکان را پس داد و به مسلمانان اجازه داد که در آزادی و امنیت در حبشه زندگی کنند.^۱

محاصره‌ی اقتصادی مسلمانان

مشرکان از این که نتوانسته بودند مسلمانان را از حبشه بازگردانند، بسیار خشمگین بودند. به همین دلیل، تصمیم گرفتند که میان خود عهدنامه‌ای بنویسند و پیامبر و پیروانش را تحریم اقتصادی کنند؛ یعنی، از آن‌ها چیزی نخرند، به آنان چیزی نفروشند و رابطه‌ی خود را با آن‌ها قطع کنند.

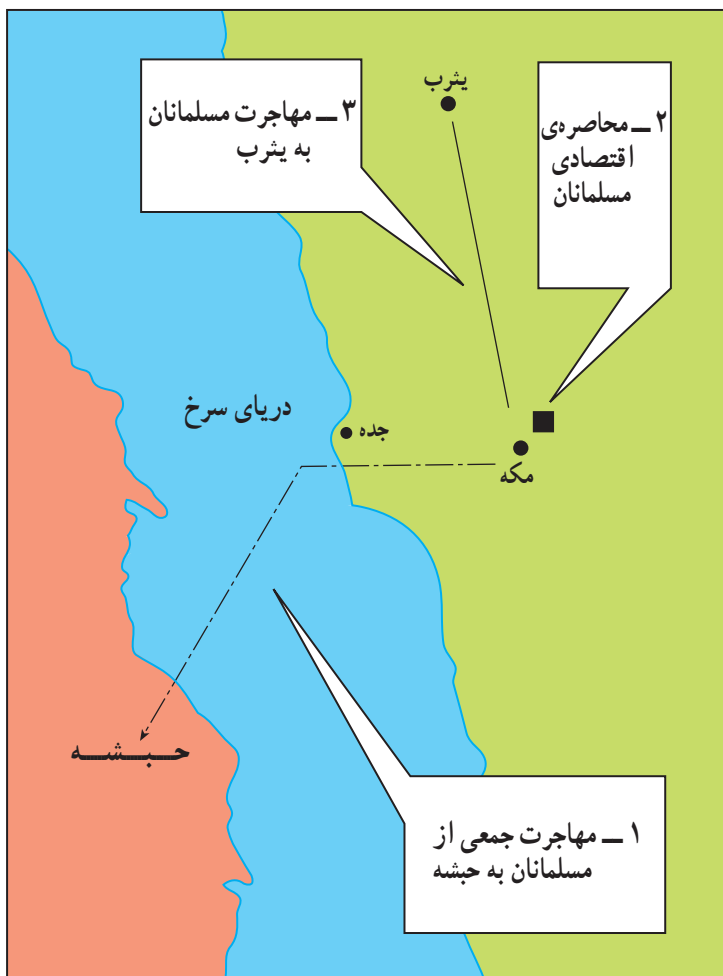
مسلمانان پس از این که از عهدنامه آگاه شدند، به همراه ابوطالب و پیامبر به یکی از دره‌های اطراف مکه رفتند و مدت سه سال در آن‌جا زندگی کردند. زندگی در آن‌جا بسیار دشوار بود. در این مدت ابوطالب و خدیجه نیازهای محاصره شدگان را تأمین می‌کردند.

۱- پادشاه حبشه نجاشی نام داشت و بعدها مسلمان شد.

مدتی بعد حضرت محمد(ص) به ابوطالب خبر داد که به خواست خداوند موریانه عهدنامه را خورده است. وقتی این خبر به مشرکان رسید، به سراغ عهدنامه رفتند و درستی گفتار پیامبر به آنان ثابت شد؛ در نتیجه، از محاصره‌ی مسلمانان دست برداشتند (سال دهم بعثت). بدین ترتیب، مسلمانان با پایداری در راه حفظ دین خود به پیروزی دست یافتند.

مهاجرت مسلمانان به شهر یثرب

هنوز مدت زیادی از پایان محاصره‌ی اقتصادی پیامبر و بستگانش نگذشته بود که ابوطالب و حضرت خدیجه(س) وفات یافتند. این دو تن، از یاوران بزرگ پیامبر(ص) بودند. پس از درگذشت آنان مشرکان بر آزارهای خود نسبت به پیامبر(ص) و مسلمانان افزودند.



بخشی از وقایع تاریخ اسلام در مکه

در سال یازدهم بعثت، چند تن از مردم یثرب که به مکه مسافرت کرده بودند، با پیامبر(ص) آشنا شدند و اسلام آوردند. وقتی خبر بعثت رسول خدا به یثرب رسید و مردم این شهر با آیین نجات بخش اسلام آشنا شدند، در صدد برآمدند دین اسلام را بپذیرند و از پیامبر (ص) اطاعت کنند.

در سال‌های بعد نیز تعدادی از مردم یثرب نزد پیامبر(ص) رفتند و پس از قبول اسلام، با آن حضرت پیمان بستند که رسول خدا را یاری کنند؛ به همین جهت به آنان انصار (یاری کنندگان) گفته شد. در این زمان، پیامبر اسلام به مسلمانان اجازه داد که به یثرب هجرت کنند. یاران پیامبر(ص) به دنبال این فرمان، دسته دسته به یثرب مهاجرت کردند. این دسته از مسلمانان را که برای حفظ دین و ایمان، اموال خویش را رها کردند و از شهر خود - یعنی مکه - به یثرب مهاجرت نمودند، مهاجرین (هجرت کنندگان) می‌گویند. پس از آن رسول خدا نیز آمادهی هجرت شد. این در حالی بود که مشرکان تصمیم گرفته بودند، شبانه به خانه‌ی آن حضرت هجوم برند و ایشان را در بستر به قتل رسانند. برای این که این تصمیم مشرکان به نتیجه نرسد، حضرت علی(ع) شب در بستر پیامبر خوابید و پیامبر(ص) مخفیانه از مکه خارج شد.

اگر فرد دیگری به جای حضرت علی(ع) انتخاب می‌شد، ممکن بود از ترس مرگ، از بستر خارج شود و فرار کند. در آن صورت تصمیم پیامبر(ص) آشکار می‌شد و جان آن حضرت در خطر قرار می‌گرفت. بنابراین برای این کار، به فردی مطمئن و شجاع نیاز بود.

پرسش و جست‌وجو



- ۱- در دوره‌ی پیش از اسلام چه دین‌هایی در عربستان رایج بود؟
- ۲- آیا می‌دانید محمد(ص) در چه سالی متولد شد؟ در این باره تحقیق کنید.
- ۳- چرا حضرت محمد(ص) به غار حرا می‌رفت؟
- ۴- پیامبر(ص) مردم را به چه چیزهایی دعوت می‌کرد؟
- ۵- چرا اشراف قریش از پیشرفت اسلام احساس خطر می‌کردند؟
- ۶- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
- الف - مشرکان مکه شخصی به نام را با هدایای زیاد نزد پادشاه حبشه فرستادند.
- ب - پیامبر(ص) مردم را به مدت به طور پنهانی به اسلام دعوت کرد.
- ج - دو تن از نزدیکان پیامبر به نام نیازهای محاصره شدگان را تأمین می‌کردند.
- ۷- دو مورد از حوادثی را که حضرت علی(ع) در آن‌ها نقش مهمی داشت، توضیح دهید.

پیامبر (ص) در مدینه

مدینه، مرکز حکومت اسلامی

همان‌طور که خواندید، رسول خدا سرانجام پس از روزهای متوالی راه‌پیمایی سخت و طاقت‌فرسا، به یثرب رسید و مورد استقبال مسلمانان این شهر قرار گرفت. آنان پیش از ورود رسول خدا همه‌ی بت‌ها و آثار شرک را نابود کرده بودند. از آن پس، شهر یثرب، مدینه النبی (شهر پیامبر) نامیده شد. ورود پیامبر اسلام به مدینه را باید آغاز حکومت اسلامی دانست. تأسیس حکومت جزو اهداف اساسی رسالت پیامبر (ص) بود، زیرا مکتب اسلام برای تمام ابعاد زندگی فردی و جمعی انسان‌ها احکام و قوانینی داشت که بدون تشکیل حکومت اجرای آن‌ها ممکن نبود. سال هجرت پیامبر از مکه به مدینه و تأسیس این حکومت به وسیله‌ی ایشان، مبدأ تاریخ اسلام قرار گرفت. پیامبر اسلام (ص) پس از ورود به مدینه، ابتدا مسجدی بنا نهاد. این مسجد علاوه بر آن که محلّ عبادت مسلمانان بود، مرکز حکومت و تصمیم‌گیری و اجتماع مسلمانان مدینه نیز محسوب می‌شد.

از دیگر اقدامات پیامبر (ص) در آغاز ورود به مدینه، ایجاد پیوند برادری دینی میان مسلمانان به جای تعصبات قبیله‌ای بود. به همین جهت مسلمانان را دوه‌دو با هم برادر اعلام کرد و خود با علی (ع) پیمان برادری بست و او را برادر خود در دنیا و آخرت خواند.

غزوه‌ی بدر

در سال دوم پس از هجرت، میان مسلمانان و مشرکان جنگ درگرفت. جریان از این قرار بود که یک کاروان بازرگانی مشرکان که از شام به مکه می‌رفت، از نزدیکی مدینه عبور می‌کرد. مشرکان از بیم آن که کالاهای این کاروان به تصرف مسلمانان درآید، سپاهی را برای حفاظت از آن به طرف مدینه فرستادند. کاروان مشرکان از اطراف مدینه دور شد اما میان این سپاه به فرماندهی ابوسفیان و سپاه اسلام به فرماندهی پیامبر (ص) جنگ درگرفت. این جنگ که در نزدیکی چاه‌هایی به نام بدر روی داد، به جنگ بدر شهرت یافت و چون رسول خدا شخصاً در این جنگ حضور داشت، بدان غزوه‌ی بدر می‌گویند.

مشرکان که تعداد نفرات و اسلحه‌ی زیاد مغرورشان ساخته بود، تصور می‌کردند که مسلمانان را شکست خواهند داد اما مسلمانان که با ایمان به خداوند به میدان آمده بودند، چون کوهی استوار در مقابل آنان ایستادند و توانستند آنان را شکست دهند. دلاوری حمزه عموی پیامبر و حضرت علی (ع) تأثیر زیادی در پیروزی مسلمانان در این غزوه داشت.

پیروزی مسلمانان در غزوه‌ی بدر، آوازه‌ی اسلام را در سراسر عربستان پراکنده ساخت و مشرکان را هراسان کرد.

غزوه‌ی اُحد

در سال سوم هجرت، مشرکان مکه برای جبران شکست بدر با سپاهی سه هزار نفری و تجهیزات فراوان به طرف مدینه حرکت کردند. هنگامی که خبر لشکرکشی آنان به پیامبر رسید، آن حضرت مصلحت دید که مسلمانان در داخل شهر مدینه به دفاع پردازند اما چون عده‌ی زیادی از جوانان، خواهان جنگ در بیرون شهر بودند، پیامبر (ص) سپاه اسلام را به آن جا هدایت کرد. در این نبرد ابتدا مسلمانان پیروز شدند، اما چون گروهی از رزمندگان مسلمان از دستور رسول خدا (فرمانده‌ی جنگ) غفلت کردند، مشرکان موفق شدند از شکست پیروزی بسازند.

غزوه‌ی خندق

در سال پنجم هجرت، مشرکان مکه از سراسر عربستان متحدانی را فراهم آوردند و تصمیم گرفتند با سپاهی بسیار بزرگ به مدینه حمله کنند. آنان یهودیان مدینه را نیز که از پیشرفت اسلام ناراحت بودند، با خود هم پیمان کردند. هنگامی که پیامبر (ص) از لشکرکشی دشمنان اسلام با خبر شد، با اصحاب خود به مشورت پرداخت. سلمان فارسی پیشنهاد کرد که برای مقابله با دشمنان در شمال مدینه خندقی حفر کنند؛ زیرا به دلیل وجود کوهستان و نخلستان، دشمنان از راه‌های دیگر نمی‌توانستند به شهر حمله کنند. سلمان ایرانی بود. او در مدینه با اسلام آشنا شده و به جمع یاران رسول خدا پیوسته بود.

هنگامی که مشرکان به مدینه رسیدند، در مقابل خویش خندقی را یافتند که تا آن زمان ندیده بودند. آن‌ها چاره‌ای جز توقف در آن سوی خندق و محاصره‌ی مدینه نداشتند. چند روز بعد، عده‌ای از جنگ‌جویان نامی قریش تصمیم گرفتند از خندق بگذرند. حضرت علی (ع) به مقابله با آنان رفت و پس



بخشی از وقایع تاریخ اسلام در زمان پیامبر (ص)

از کشتن عمرو بن عبْدُود معروف‌ترین پهلوان آن‌ها و یکی از همراهانش، بقیه‌ی آن‌ها را به آن سوی خندق فراری داد. هنگامی که علی (ع) به جنگ عمرو رفت پیامبر (ص) فرمود: «اینک تمام اسلام به مبارزه با تمام کفر بیرون شد». در این زمان، طوفانی شروع شد که چادرهای مشرکان را از جا برکند و موجب به هم خوردن نظم سپاه آنان شد.

با پیداشدن اختلاف و بالاگرفتن آن در میان مشرکان، آنان تصمیم گرفتند به مکه بازگردند؛ بنابراین، بدون کوچک‌ترین موفقیتی از اطراف مدینه پراکنده شدند و شکست را پذیرفتند.

صلح حدیبیّه و گسترش اسلام

پس از غزوه‌ی خندق، قدرت مسلمانان بر بسیاری از عرب‌ها آشکار شد؛ به طوری که مشرکان مکه، حاضر به صلح با مسلمانان شدند. بدین ترتیب، پیمان صلح حدیبیّه به وجود آمد. براساس این پیمان، مشرکان متعهد شدند که تا ده سال با مسلمانان وارد جنگ نشوند؛ به آنان اجازه‌ی زیارت خانه‌ی خدا را بدهند و امنیت و آرامش لازم را برای آنان فراهم سازند.

با امضای پیمان صلح، پیامبر اسلام (ص) توانست آزادانه به تبلیغ اسلام بپردازد و نه تنها مردم سرزمین عربستان بلکه ساکنان کشورهای دیگر را نیز به اسلام این دین الهی دعوت کند. به همین منظور، پیامبر اسلام (ص) نامه‌هایی به شاهان ایران و روم و مصر نوشت و آنان را به اسلام دعوت نمود.

فتح خیبر

پس از امضای پیمان صلح، دین اسلام روز به روز گسترش بیش‌تری یافت و دشمنان آن نیز خشمگین‌تر شدند. از جمله‌ی این دشمنان، یهودیان منطقه‌ی خیبر بودند که با کارشکنی‌های خود، برای مسلمانان مشکل ایجاد می‌کردند. به همین دلیل، پیامبر (ص) در سال هفتم هجرت، به مقابله با آنان شتافت و قلعه‌های آن‌ها را محاصره کرد. این جنگ‌ها که دلاوری امام علی (ع) و فداکاری مسلمانان در آن‌ها کاملاً آشکار بود، با پیروزی مسلمانان پایان یافت. در همین زمان، جعفر بن ابی‌طالب و مسلمانانی که سال‌ها پیش به حبشه مهاجرت کرده بودند، به مدینه بازگشتند.

فتح مکه

تقریباً دو سال پس از صلح حدیبیه، مشرکان پیمان‌شکنی کردند.^۱ در نتیجه، پیامبر اسلام با سپاه بزرگی به سوی مکه حرکت کرد. مشرکان که در خود توان مقاومت نمی‌دیدند، درصدد تسلیم برآمدند؛ پیامبر اسلام نیز به اهالی مکه امان داد. بدین ترتیب، هشت سال پس از هجرت، مکه به وسیله‌ی مسلمانان فتح شد و مهاجران توانستند به زادگاه خود بازگردند. با ورود مسلمانان به مکه، پیامبر گرامی اسلام، بیشتر کسانی را که در مقابل اسلام سر تسلیم فرود آورده بودند، عفو کرد. در خانه‌ی کعبه به فرمان پیامبر (ص)، امام علی (ع) بر دوش آن حضرت قرار گرفت و تمامی بت‌ها را واژگون ساخت. به این ترتیب، کعبه بار دیگر محل عبادت خدای یکتا شد.

در این زمان، ابوسفیان و خانواده‌اش که از دشمنان سرسخت اسلام بودند، اعلام کردند که مسلمان شده‌اند. پیامبر اسلام هم آنان را بخشید. فتح شهر مکه که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شهر حجاز و مرکز دینی و تجاری اعراب بود، آوازه‌ی شکوه و عظمت اسلام را به گوش همه‌ی مردم عربستان رساند. از آن پس، گروه گروه از مردم این کشور به دین اسلام گرویدند و طولی نکشید که بیشتر مردم عربستان مسلمان شدند.

۱ - مشرکان با کشتن تعدادی از متحدان مسلمانان پیمان‌شکنی کردند. طبق پیمان صلح، جنگ هر یک از طرفین با متحدان یک‌دیگر نیز ممنوع اعلام شده بود.



با فداکاری نبی اکرم و مسلمانان، کعبه بار دیگر به خانه‌ی خدا و محل زیارت مسلمان‌ها تبدیل شد.

آخرین سال‌های زندگی پیامبر اسلام

آخرین سال‌های زندگی رسول خدا به تقویت پایه‌های اسلام در عربستان و تبلیغ اسلام سپری شد. از مهم‌ترین اقدامات پیامبر گرامی اسلام در این سال‌ها، انتصاب حضرت علی(ع) به جانشینی خود بود. آن حضرت هنگامی که از آخرین سفر حج خود بازمی‌گشت، دستور داد تا همه‌ی زائران خانه‌ی خدا در محلی به نام غَدير خُم جمع شوند. در آن جا پیامبر(ص) حضرت علی(ع) را به عنوان جانشین خود و رهبر مسلمانان معرفی کرد و خطاب به آنان فرمود: «هر کس که من مولای او هستم، علی مولای اوست.» سپس تمام زائران با حضرت علی(ع) بیعت کردند. پس از این واقعه، این آیه‌ی قرآن کریم نازل شد: «امروز دینتان را برای شما تکمیل کردم و نعمتم را بر شما تمام ساختم و پسندیدم که دین شما اسلام باشد.»^۱

۱ - سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۳.



مسجد و آرامگاه رسول خدا در مدینه

پیامبر در آخرین روزهای زندگی خود، سخت می‌کوشید تا لشکری را به فرماندهی اُسامه به سوی شام (مرزهای روم) روانه کند. اُسامه حدود نوزده سال داشت؛ به همین دلیل، عده‌ای به رسول خدا اعتراض کردند که چرا جوانی کم‌سال را به فرماندهی انصار و مهاجرین برگزیده است؛ پیامبر(ص) فرمود او شایسته‌ی فرماندهی است. در همین ایام، پیامبر(ص) بیمار شدند و عده‌ای به بهانه‌ی بیماری ایشان، از پیوستن به سپاه اُسامه خودداری کردند. پیامبر(ص) از این نافرمانی ناراحت شدند و کسانی را که تخلف کرده بودند، سرزنش فرمودند. ایشان در آخرین روز زندگی خود، هفت دینار اندوخته‌ی خویش را میان فقرا تقسیم کردند و در حالی که ذکر خدا بر لب داشتند؛ در روز ۲۸ صفر سال یازدهم هجرت رحلت فرمودند.

به این ترتیب، مردی بی‌نظیر از جهان رخت بر بست و دو یادگار گران‌بها یعنی قرآن و خاندان بزرگوارش را به جا نهاد. او مردی بود که به فرمان خدا، برای تبلیغ رسالت خویش ۲۳ سال سخت‌ترین رنج‌ها و شکنجه‌ها را تحمل کرد. با مطالعه‌ی مطلب زیر، هفت مورد از صفات پیامبر(ص) را در کلاس مورد بحث قرار دهید.

پیامبر (ص) از نگاه حضرت علی (ع)

حضرت علی (ع) می گوید : هرگاه کار جنگ بر ما سخت می شد، به رسول خدا پناه می بردیم. او عابدترین مردم روزگار خویش بود. اغلب روزها را روزه می گرفت و شب ها به نماز می ایستاد. زندگی اش در کمال سادگی می گذشت، زیرا اندازهش حصیری از نی و برگ درخت خرما و غذایش اغلب نان جو و چند عدد خرما و گاهی نان و آب بود. به دست خود شیر می دوشید و گندم آسیاب می کرد و با وجود سادگی، نظافت و پاکیزگی را به دقت رعایت می کرد. ایشان بر مسواک کردن دندان ها و شستن بدن تأکید می فرمود. در شرم و حیا بی مانند بود و آرام و شمرده سخن می گفت و هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود. عدل و رحمت را به هم آمیخته بود و در عین بخشش بزرگوارانه، در اجرای عدالت، درباره ی هیچ کس کوتاهی و سستی نمی کرد. مکرر درباره ی زنان سفارش می فرمود و خود در کارهای منزل به آنان کمک می کرد. او پیامبر خدا، پارساترین بندگان، شجاع ترین فرماندهان، عادل ترین حاکمان و دقیق ترین داوران و قضاوتگران، پدري با عظوف و همسري مهربان و برای همه ی مؤمنان، برادري دل سوز و غم خوار بود. زندگی او باید سرمشق زندگانی همه ی ما باشد.

پرسش و جست و جو



- ۱- نخستین اقدام پیامبر (ص) پس از هجرت به مدینه چه بود؟
- ۲- غزوه چیست؟
- ۳- فتح مکه توسط مسلمانان، چه نتایجی به دنبال داشت؟
- ۴- حوادث مهم سال های دوم تا هشتم هجری را به ترتیب نام ببرید.
- ۵- مواد صلح حدیبیه چه بود؟
- ۶- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
الف - غزوه ی بدر در نزدیکی روی داد.
ب - پیامبر (ص) در غدیر خم، را به جانشینی خود برگزید.
ج - پیشنهاد حفر خندق در شمال مدینه توسط مطرح شد.

تاریخ اسلام پس از وفات پیامبر (ص)

خلافت ابوبکر

پس از رحلت رسول اکرم (ص)، درحالی که امام علی (ع) به همراه نزدیک ترین یاران پیامبر (ص) به تدفین آن حضرت مشغول بودند، گروهی از انصار، دور یک دیگر جمع شدند و درصدد برآمدند تا یکی را از میان خود، به حکومت انتخاب کنند. آنان سفارش پیامبر (ص) در غدیر خم را نادیده گرفته بودند. خبر اجتماع این گروه به ابوبکر و عمر — که از مهاجرین و اصحاب رسول خدا بودند — رسید. آن دو نیز به محل اجتماع انصار رفتند و در مورد این که جانشینی پیامبر، حق مهاجرین است یا انصار، به گفت و گو پرداختند. ابوبکر درباره ی فضایل مهاجرین سخن گفت و درحالی که میان گروه های مختلف انصار خاطره ی اختلافات قبیله ای گذشته زنده شده بود، عده ای از حاضران با وی بیعت^۱ کردند. گروهی از مسلمانان این بیعت را پذیرفتند ولی گروهی دیگر به گفتار پیامبر (ص) در مورد خلافت امام علی (ع) پای بند بودند و خلافت را فقط حق آن حضرت می دانستند. بعضی از نزدیک ترین یاران پیامبر (ص) از جمله ابوذر و عمار جزو این گروه بودند^۲.

پس از آن که ابوبکر خلیفه^۳ شد، امام علی (ع) برای حفظ وحدت مسلمانان سکوت نمود.

خلافت عمر

ابوبکر در آخرین روزهای زندگی اش، عمر را به جانشینی خود منصوب کرد. در آن هنگام، مسلمانان در مرزهای ایران و روم درحال جنگ بودند. عمر پس از رسیدن به خلافت قوای کمکی را به یاری آنان فرستاد و برایشان فرماندهان جدیدی تعیین کرد.

شکست رومیان و تصرف شام — سپاهانی که به مرزهای روم فرستاده شده بودند، پس از یک رشته جنگ های سخت، رومیان را شکست دادند و با تعقیب آنان، سراسر شام را به تصرف خود

۱- بیعت به معنای دست دادن و منظور از آن بستن پیمان اطاعت است.

۲- پیروان امام علی (ع) را شیعه می گویند که این نام توسط پیامبر (ص) به آنها نهاده شد و افرادی چون ابوذر و عمار از شیعیان اولیه می باشند.

۳- خلیفه به معنای جانشین است.

درآوردند. سپس لبنان و فلسطین را نیز فتح کردند. این پیروزی‌ها، راه را برای فتح سرزمین مصر (که از سرزمین‌های زیر سلطه‌ی رومیان بود) هموار ساخت. (به نقشه‌ی صفحه‌ی بعد نگاه کنید.)

شکست ساسانیان و فتح ایران — همان‌طور که گفتیم، گروهی از سپاه مسلمین در مرزهای ایران مشغول جنگ بودند. در اوایل خلافت عمر، مسلمانان با وجود پیشرفت‌های اولیه، در مقابل سپاه ساسانی، متحمل شکست‌هایی شده بودند؛ بنابراین، پس از شکست رومیان، تعداد زیادی از سپاهیان مسلمان به مرزهای ایران فرستاده شدند. چنان‌که در سال گذشته خواندید، در آن هنگام، یزدگرد سوم بر ایران حکومت می‌کرد. او سرانجام از مسلمانان شکست خورد.

اکنون با توجه به آن‌چه در سال گذشته آموخته‌اید، به این پرسش پاسخ دهید:

دلایل شکست ساسانیان از مسلمانان چه بود؟

آیا می‌دانید...

تعیین تاریخ هجری

در دوران خلافت عمر، عواملی چون گسترش قلمرو مسلمانان و افزایش تعداد آنان و نیز توسعه‌ی امور مالی و اداری حکومت، سبب شد که با صلاح‌دید امام علی (ع)، سال هجرت پیامبر (ص)، به عنوان مبدأ تاریخ مسلمانان برای همیشه تثبیت شود.

خلافت عثمان

عمر در آخرین روزهای زندگی خود، شورایی تشکیل داد تا خلیفه‌ی جدید را تعیین کند. امام علی (ع)، عثمان و عبدالرحمن بن عوف از جمله اعضای این شورا بودند. عمر دستور داده بود فردی که بیشتر اعضای شورا به او رأی بدهند، خلیفه باشد. در صورت مساوی بودن تعداد آرا نیز، کسی خلیفه می‌شد که عبدالرحمن بن عوف با او موافق باشد. پس از سه روز بحث و گفت‌وگو سرانجام عبدالرحمن رو به امام علی (ع) کرد و گفت: با تو بیعت می‌کنم به شرط آن‌که به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) و روش دو خلیفه‌ی قبلی عمل کنی. امام علی (ع) فقط دو شرط عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر (ص) را پذیرفت. سپس عبدالرحمن رو به عثمان کرد و شرایط خود را تکرار کرد. عثمان همه‌ی شرایط را پذیرفت و خلیفه شد. در دوران خلافت وی، فتح نواحی باقی‌مانده‌ی ایران ادامه یافت. تنها سواحل جنوبی دریای خزر (گیلان و قسمتی از مازندران) به دلیل



وجود رشته کوه‌های بلند و جنگل‌های فراوان فتح نشد.

در اواخر خلافت عثمان (سال ۳۵ هجری) مردم مصر از رفتار حاکمی که عثمان به آن سرزمین فرستاده بود، ناراضی شدند؛ عده‌ای از آن‌ها به مدینه آمدند و شورش علیه خلیفه برپا کردند. پس از مدتی ناراضیان کوفه و بصره نیز به مدینه آمدند و خانه‌ی عثمان را محاصره کردند. آنان می‌خواستند که خلیفه، مروان بن حکم^۱ را که منشی و داماد او بود و در همه‌ی امور دخالت می‌کرد برکنار کند، اما خلیفه از این کار خودداری می‌کرد. در نتیجه، بار دیگر اعتراض با تحریک افرادی چون طلحه و زبیر و عمرو عاص بالا گرفت و معترضان، خانه‌ی عثمان را محاصره کردند. امام علی (ع) برای جلوگیری از فتنه و آشوب، از معترضان خواست که آرامش خود را حفظ کنند اما جمعی از معترضان به خانه‌ی عثمان ریختند و او را به قتل رساندند.

۱- مروان بن حکم به دلیل انجام دادن کارهای ناشایست در زمان پیامبر، به دستور ایشان از جامعه‌ی مسلمانان طرد و اخراج شده بود.



صفحه‌ای از نخستین قرآن‌های مسلمین به خط کوفی

به خلافت رسیدن امام علی (ع)

پس از عثمان، بالاخره مردم بعد از ۲۵ سال به امام علی (ع) که در روز عید غدیر توسط پیامبر (ص) به رهبری مسلمانان منصوب شده بود روی آوردند و از او خواستند که خلیفه شود. آن حضرت در ابتدا از قبول خلافت خودداری نمود اما چون مردم بیشتر اصرار کردند، پذیرفت. طلحه و زبیر از اولین کسانی بودند که با امام علی (ع) بیعت کردند.

هنگامی که امام علی (ع) به خلافت رسید، جامعه‌ی مسلمین گرفتار مشکلات بسیاری بود. در طی چندین سال، سرزمین‌های وسیعی فتح شده و مردم بسیاری مسلمان شده بودند اما بعضی از عرب‌ها - برخلاف دستور اسلام - میان مسلمانان عرب و غیرعرب تفاوت می‌گذاشتند. هم‌چنین، با فتح سرزمین‌های وسیع، غنایم بسیاری نصیب مسلمانان شده بود اما با وجود دستور اسلام مبنی بر رعایت عدالت، عده‌ای به ناحق، املاک بسیار و ثروت‌های فراوانی برای خود جمع‌آوری کرده بودند. علاوه بر این، در بعضی از سرزمین‌های اسلامی، کسانی که صلاحیت حکومت مسلمانان را نداشتند، فرمانروایی می‌کردند. به همین جهت، امام علی (ع) حکمرانان نالایق را برکنار کرد. او همه‌ی مسلمانان - اعم از عرب و غیرعرب و فقیر و غنی - را یک‌سان می‌دانست.

اقدامات امام علی (ع)، بسیاری از مسلمانان را خوش حال کرد. ایرانیان نیز که جلوه‌ی کامل عدالت اسلامی را در شیوه‌ی حکومت ایشان می‌دیدند، بیش از پیش به آن حضرت علاقه‌مند شدند. در این میان، گروهی نیز از اقدامات امام ناراضی بودند. در درس بعد، با برخی از این افراد و مشکلاتی که برای امام علی (ع) فراهم ساختند، آشنا خواهید شد.

پرسش و جست‌وجو



- ۱- پیامبر اکرم (ص) در روز غدیر خم برای اداره جامعه اسلامی بعد از خود چه فرموده بودند؟
- ۲- چرا امام علی (ع) بعد از عمر به خلافت نرسید؟
- ۳- کدام قسمت از ایران در زمان خلافت عثمان فتح نشد؟ چرا؟
- ۴- امام علی (ع) هنگام پذیرش مقام خلافت، با چه مشکلاتی روبه‌رو بود؟ دو مورد را بنویسید.

خلافت امام علی (ع) و امام حسن (ع)

جنگ جَمَل

وقتی امام علی (ع) حکومت بر مسلمانان را پذیرفت، افرادی چون طلحه و زبیر دریافتند که با توجه به عدالت‌طلبی آن حضرت نمی‌توانند به خواسته‌های خود از جمله حکومت بر شهرهای مهم برسند، به بهانه‌ی زیارت خانه‌ی خدا از مدینه خارج شدند و به مکه رفتند. آنان در مکه عایشه، همسر پیامبر را نیز با خود همراه کردند.

طولی نکشید که عایشه، طلحه و زبیر با طرفدارانشان از مکه به بصره رفتند و در آن‌جا آماده‌ی جنگ با امام (ع) شدند. امام علی (ع) به ناچار با سپاهی از مدینه به سوی عراق حرکت کرد. هنگامی که امام علی (ع) به عراق رسید، کسانی را نزد عایشه و طلحه و زبیر فرستاد و آنان را به صلح دعوت کرد اما آن‌ها دعوت آن حضرت را نپذیرفتند و سرانجام، جنگ درگرفت. پس از یک نبرد شدید، سپاهیان امام علی (ع) پیروز شدند. در این جنگ عایشه بر شتری سوار بود؛ به همین دلیل، این جنگ را جنگ جَمَل (شتر) نامیده‌اند.

پس از جنگ جمل، امام به مدینه بازنگشت و شهر کوفه (در عراق) را مرکز خلافت خود قرار داد. شهر کوفه از نظر ارتباط با ایران و شام و حجاز موقعیت مناسبی داشت و چنانکه خواهیم دید امام علی (ع) به خصوص می‌خواست به شام نزدیک باشد.

جنگ صِفّین

در زمان خلافت عثمان، معاویه که به همراه پدرش ابوسفیان در هنگام فتح مکه مسلمان شده بود، حکومت شام را در دست داشت. او در آن‌جا مانند پادشاهان حکومت می‌کرد به همین دلیل امام علی (ع) او را از حکومت برکنار کرد اما او از دستور امام علی (ع) اطاعت نکرد. سپس با بخشیدن اموال عمومی مسلمانان، عده‌ای را طرفدار خود کرد. هم‌چنین مردم شام را فریب داد و آنان را تحریک کرد که باید انتقام خون عثمان را از امام علی (ع) گرفت! امام بارها از مخالفان خود خواست که قاتل یا قاتلان عثمان را معرفی کنند تا مجازات شوند، اما آنان جز اتهام واهی چیزی ارائه نمی‌کردند.

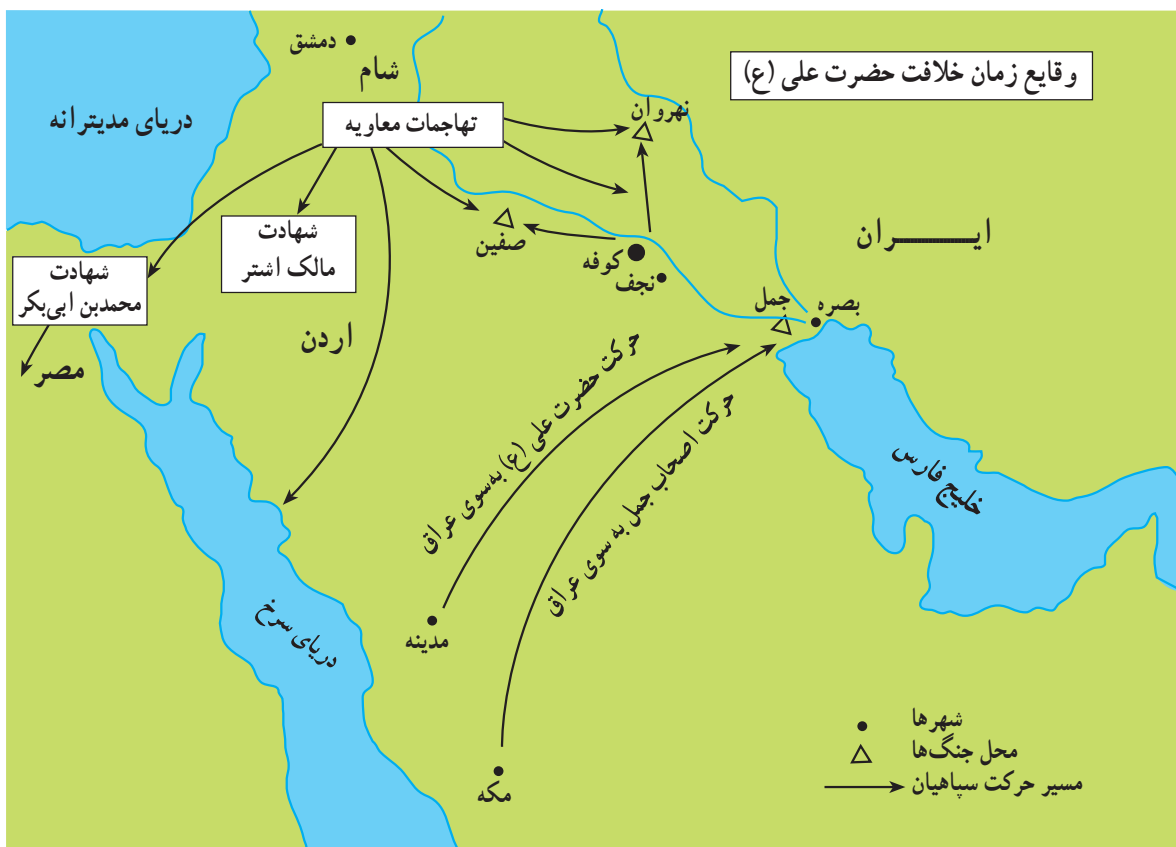
هدف اصلی معاویه، حکومت بر تمامی مسلمانان بود. او برای رسیدن به این مقصود، به هر کس وعده‌ای می‌داد؛ از جمله به عمروعاص حاکم سابق مصر که شخصی حيله‌گر بود، وعده داد که اگر به خلافت برسد، حکومت مصر را به او بازگرداند.

سرانجام معاویه تصمیم گرفت به کوفه حمله کند. امام علی (ع) نیز با سپاهیان خود به مقابله با او برخاست. دو سپاه در محلی به نام صفین به یک‌دیگر رسیدند. امام علی (ع) به امید هدایت گمراهان و اتمام حجت با معاویه، به سربازان خود دستور حمله نداد و برای جلوگیری از خون‌ریزی، با فرستادن نمایندگان سپاه شام را نصیحت کرد. پس از چندی، معاویه اعلام کرد که جنگ تنها راه حل است. بدین ترتیب، جنگ سختی در گرفت که چندین روز ادامه داشت و طی آن گروه زیادی کشته شدند. سپاهیان امام علی (ع) در این جنگ قهرمانانه نبرد کردند و سردار آنان، مالک اشتر، توانست سپاه معاویه را در آستانه‌ی شکست قرار دهد.

با دسیسه‌ی عمروعاص، سپاهیان معاویه قرآن را بر سر نیزه قرارداده و خواهان حکمیت شدند. اصرار امام علی (ع) و سردارش مالک اشتر برای ادامه‌ی نبرد و پایان دادن به فتنه‌ی معاویه نتیجه نداد و سرانجام عمروعاص و ابوموسی اشعری به ترتیب به عنوان حکم معاویه و امام علی (ع) انتخاب شدند. عمروعاص، ابوموسی را فریب داد و نتیجه‌ی حکمیت به سود معاویه تمام شد.

جنگ نهروان

عده‌ای از سپاهیان امام علی (ع)، که خود از ابتدا بر حکمیت اصرار می‌ورزیدند نتیجه‌ی حکمیت را نپذیرفتند و بر همگان آشکار شد که ماجرای حکمیت حيله‌ای بیش نبوده است. در این زمان، همان گروه که ایشان را به قبول صلح و حکمیت مجبور ساختند، از لشکر آن امام خارج شدند. آنان پس از آن که از سپاه امام علی (ع) جدا شدند، به کارهای خلاف اسلام، از قبیل آزار و اذیت مسلمانان و قتل و غارت پرداختند. این گروه به دلیل خروج از فرمان امام و قیام علیه او به خوارج معروف شدند. امام علی (ع) با سپاهی برای جلوگیری از اقدامات خوارج حرکت کرد و در محلی به نام نهروان به آن‌ها رسید. با نصیحت امام (ع) عده‌ای از خوارج از سپاه خود جدا شدند و باقی‌مانده‌ی آن‌ها نیز که به سپاه امام علی (ع) حمله‌ور شده بودند، شکست خوردند. عده‌ای از آن‌ها کشته شدند و بقیه نیز به نواحی دوردست گریختند.



شهادت امام علی (ع)

پس از جنگ نهروان، امام علی (ع) تصمیم گرفت بار دیگر با معاویه نبرد کند و مشغول آماده کردن سپاه برای جنگ شد. اما در روز نوزدهم رمضان^۱ به دست یکی از خوارج به نام ابن مُلْجَم مرادی در مسجد مجروح شد و دو روز بعد (۲۱ رمضان) به شهادت رسید. بدین ترتیب جامعه‌ی اسلامی مردی را که در علم و تقوا، شجاعت و عدالت بی نظیر بود از دست داد. مردی که در زمان رسول خدا یار و یاور او بود و پس از آن نیز برای حفظ وحدت مسلمانان رنج‌های زیادی را تحمل کرد.



مرقد مطهر امام علی (ع) در نجف

خلافت امام حسن (ع)

امام حسن (ع) دومین امام شیعیان که پس از امام علی (ع) به خلافت رسید، نمونه‌ی تقوا و جهاد در راه خدا بود. او را شبیه‌ترین فرد خاندان پیامبر (ص) به رسول خدا دانسته‌اند. امام حسن (ع) در شجاعت کم‌نظیر بود و درگذشت و بردباری به پیامبر شباهت بسیار داشت. پس از شهادت حضرت علی (ع)، مردم با حسن بن علی (ع) بیعت کردند. امام حسن (ع) در نخستین روزهای خلافت، نامه‌ای به معاویه نوشت و او را از سرکشی منع فرمود. در عوض، معاویه لشکری فراهم کرد و آماده‌ی جنگ شد. امام حسن (ع) پس از آگاهی از این لشکرکشی، مردم را در مسجد جمع کرد و از آن‌ها خواست که خود را برای نبرد آماده کنند اما فقط تعداد کمی از آن‌ها پذیرفتند و آماده‌ی جنگ شدند. با این حال، امام (ع) سپاهی را به فرماندهی عبیدالله بن عباس برای مقابله با معاویه فرستاد.

صلح امام حسن (ع) با معاویه

معاویه با وعده‌ی پرداخت پول بسیار، عبیدالله بن عباس و چند تن دیگر از یاران امام حسن (ع) را طرفدار خود کرد؛ به طوری که بعضی از آنان قول دادند که امام حسن (ع) را به قتل برسانند. معاویه

هم چنین در همه جا اعلام کرد که خواهان صلح است و امام حسن (ع) نیز صلح را پذیرفته است. این اقدامات موجب اختلاف در سپاهیان امام حسن (ع) شد. بعضی از آنان که راحت طلب بودند یا فریب حيله‌های معاویه را خورده بودند، به ایشان اصرار می‌کردند که با معاویه صلح کند.

امام حسن (ع) نیز در شرایطی که بیشتر مردم کوفه را چنین جماعتی تشکیل می‌دادند و فقط گروه اندکی از یاران وفادارش باقی مانده بودند، ناچار شد پیشنهاد صلح معاویه را بپذیرد. سپاه امام در برابر لشکر معاویه — که بیست برابر بیشتر بودند — تاب مقاومت نداشتند. در صورت جنگ با معاویه، باقی مانده‌ی مسلمانان حقیقی از بین می‌رفتند و این به نفع معاویه بود. در نتیجه، امام حسن (ع) به خاطر مصلحت اسلام و نیز آشکار ساختن چهره‌ی واقعی معاویه، با شرایطی حاضر به صلح شد. از جمله‌ی این شرایط آن بود که معاویه حق ندارد برای خود جانشین تعیین کند و خود را امیر المؤمنین بنامد.

پرسش و جست‌وجو



- ۱- چرا پس از جنگ جمل، امام علی (ع) کوفه را مرکز حکومت خویش قرار داد؟
- ۲- چرا در جریان جنگ‌های صفین و نهروان، امام علی (ع) ابتدا دستور حمله نداد؟
- ۳- درباره‌ی زندگی عمرو بن عاص گزارشی در یک صفحه تهیه کنید.
- ۴- با توجه به آنچه در این درس و کتاب فارسی خوانده‌اید، ده صفت از صفات امام علی (ع) را برشمرد.

- ۵- چرا امام حسن (ع) ناچار به صلح با معاویه شد؟ و با چه شرایطی با او صلح کرد؟
- ۶- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
- الف — سردار سپاه امام علی (ع) به نام توانست سپاه معاویه را در آستانه شکست قرار دهد.
- ب — امام علی (ع) به دست یکی از خوارج به نام مجروح شد و دو روز بعد به شهادت رسید.
- ج — سپاهیان امام علی (ع) در جنگ خوارج را شکست دادند.
- ۷- رابطه‌ی بین گزینه‌ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :

جنگ جمل	خوارج
جنگ صفین	عایشه و طلحه و زبیر
جنگ نهروان	معاویه

عبیدالله بن عباس

خلافت بنی امیه

معاویه خلافت را به سلطنت تبدیل می‌کند

معاویه با قبول تمامی شرایط امام حسن (ع) در سال ۴۱ هجری به خلافت رسید اما بلافاصله پیمان صلح را نادیده گرفت؛ از جمله بسیاری از شیعیان را به شهادت رسانید و ستم و تبعیض را در جامعه گسترش داد. چنین اقداماتی چهره‌ی واقعی او را آشکار کرد و همگان دریافتند که عدم اطاعت از امام (ع) چه نتیجه‌ای دارد. پس از مدتی، معاویه که همواره امام حسن (ع) را سدّ راه تحقق هدف‌های خود می‌دید، آن حضرت را مسموم کرد و به شهادت رسانید^۱. او که دیگر برای خود مخالفی تصور نمی‌کرد، روز به روز بر ظلم و ستم خویش بر مردم افزود. معاویه اموال عمومی مسلمانان را میان طرفداران و وابستگان خود تقسیم می‌کرد. او در پایتخت خود، شهر دمشق درباری مانند دربار پادشاهان به وجود آورده بود و به روش پادشاهان حکومت می‌کرد. یکی از آخرین اقدامات معاویه این بود که فرزندش، یزید، را به جانشینی خود تعیین کرد. حسین بن علی (ع)، امام سوم شیعیان با این گونه اقدامات معاویه به مخالفت برخاست.

حکومت یزید و قیام امام حسین (ع)

معاویه در سال ۶۰ هجری مُرد و پسرش، یزید، به جای او نشست. یزید مردی فاسد، شراب‌خوار و مخالف اسلام بود و امام حسین (ع) از همان آغاز، با او به مخالفت برخاست؛ به همین جهت، یزید نامه‌ای به حاکم مدینه نوشت و به او دستور داد که از امام حسین (ع) برای اطاعت از یزید، بیعت بگیرد و اگر بیعت را نپذیرفت، او را بکشد. حاکم مدینه در صدد اجرای دستور برآمد؛ در نتیجه، امام حسین (ع) با خانواده‌ی خود از مدینه به مکه رفتند. از سوی دیگر مردم کوفه نامه‌های فراوانی به آن حضرت نوشتند و از او خواستند به عراق برود. امام (ع) نیز با خانواده و یاران خود به سوی عراق حرکت کرد اما در نزدیکی

۱- امام حسن (ع) در قبرستان بقیع مدینه مدفون است.

کوفه، از پیمان شکنی مردم این شهر آگاه شد. در این هنگام، به دستور عبیدالله بن زیاد شخصی به نام حُرّ، امام حسین (ع) و همراهانش را زیر نظر گرفته بود.

کمی بعد، عبیدالله بن زیاد، یکی از سرداران خود به نام عمر بن سعد را با سی هزار نفر به صحرای کربلا فرستاد. به عمر بن سعد وعده داده بودند که اگر امام حسین (ع) را به شهادت برساند، حکومت ری را به او خواهند داد (در آن زمان ری از شهرهای بزرگ و مهم ایران بود)؛ به همین جهت، او امام و یارانش را محاصره کرد و آب را بر روی آنان بست. در طول این مدت، امام (ع) بارها با لشکر عمر بن سعد که بیشتر آنها از مردم کوفه بودند، صحبت کرد اما آنان که دنیا دوستی و گناه وجودشان را فرا گرفته بود، سخنان امام (ع) را نپذیرفتند.

حماسه‌ی عاشورا

در روز دهم محرم (عاشورا) سال ۶۱ هجری، درحالی که تنها ۷۲ تن از یاران امام باقی مانده بودند، جنگ آغاز شد. در آغاز جنگ، حُرّ که سخنان امام حسین (ع) او را آگاه ساخته بود، به امام (ع) پیوست و با سپاه یزید جنگید تا به شهادت رسید. جنگ در روز عاشورا از صبح تا بعدازظهر به طول انجامید. سرانجام، امام حسین (ع) و همه‌ی یاران آن حضرت که برای زنده نگاه داشتن دین اسلام دلاورانه نبرد می کردند، به شهادت رسیدند. در واقعه‌ی کربلا، حضرت عباس برادر امام حسین



تابلوی نقاشی از عصر عاشورا اثر استاد محمود فرشچیان

و علی اکبر فرزند آن حضرت به شهادت رسیدند. حتی سپاهیان یزید به علی اصغر، طفل شیرخواری او نیز رحم نکردند. در این زمان، امام حسین (ع) که همه‌ی یاران خود را از دست داده بود، یگه و تنها به سپاه دشمن حمله‌ور شد. سپاهیان یزید که از دلاوری و از جان‌گذشتگی آن حضرت هراسان شده بودند، پا به فرار گذاشتند و با دادن کشته‌های بسیار توانستند ایشان را به شهادت برسانند. امام حسین (ع) مظهر شجاعت و ایثار و سرور شهیدان اسلام است. آن حضرت با تحمل مصیبت‌های بسیار و ایثار خون خود، به‌همگان درس آزادگی و شجاعت آموخت و اسلام را زنده ساخت. سپاهیان یزید، پس از شهادت امام (ع) به خانواده‌ی ایشان حمله‌ور شدند و تمامی زنان و کودکان و علی بن حسین (ع)، امام چهارم شیعیان را که در بستر بیماری بود، به اسارت گرفتند و به شام نزد یزید فرستادند.

یزید شهادت امام حسین (ع) و یاران فداکارش را پیروزی بنی‌امیه بر خاندان پیامبر می‌دانست و از پیروزی ظاهری خود به شدت خوش حال بود اما حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع) در دمشق با سخنرانی‌های کوبنده، حقیقت واقعی کربلا و چهره‌ی واقعی حکومت یزید را روشن کردند. به‌دنبال واقعه‌ی کربلا و روشنگری‌های خاندان علی (ع)، مسلمانان از ظلم و ستم بنی‌امیه آگاه شدند و در عراق و ایران و مکه و مدینه علیه آنان به پا خاستند. چندی بعد بنی‌امیه امام سجاد (ع) را نیز به شهادت رساندند.



مرقد مطهر حضرت امام حسین (ع) در کربلا



قبرستان بقیع

حکومت ظالمانه‌ی بنی‌امیه و قیام‌های مسلمانان

بنی‌امیه حاکمانی ستمکار بودند. آن‌ها بر سراسر سرزمین‌های اسلامی از جمله ایران حکومت می‌کردند و از مردم مالیات‌های سنگین می‌گرفتند و هرگونه مخالفتی را به شدت سرکوب می‌ساختند. در دوران حکومت بنی‌امیه، بسیاری از مسلمانان و به‌خصوص شیعیان، آزار و اذیت فراوانی را تحمل کردند؛ چنان‌که امام محمد باقر (ع) را به شهادت رساندند. در نتیجه قیام‌های زیادی بر ضد بنی‌امیه به وجود آمد. این قیام‌ها، حکومت بنی‌امیه را در آستانه‌ی سقوط قرار داد.

دشمنی اصلی بنی‌امیه، با خاندان پیامبر (ص) و دوستان آن‌ها بود. با وجود این، روز به روز بر تعداد شیعیان به خصوص در ایران افزوده می‌شد. سرانجام، به دلیل ستمگری و فساد بنی‌امیه، مسلمانان به مبارزه علیه آنان برخاستند. یکی از رهبران این مبارزه ابومسلم خراسانی بود. او با ادعای طرفداری از خاندان پیامبر (ص)، عده‌ی زیادی را دور خود جمع کرد. آن‌گاه، به‌جنگ با بنی‌امیه پرداخت و مروان، آخرین خلیفه‌ی اموی را شکست داد. مروان هنگام فرار کشته شد و حکومت بنی‌امیه منقرض گردید.^۱

علل سقوط بنی‌امیه

علل سقوط بنی‌امیه را می‌توان در چهار محور زیر خلاصه کرد:

- ۱- آشکار شدن چهره‌ی ضداسلامی بنی‌امیه، در پی شهادت امام حسین (ع)
- ۲- ستمگری و بی‌عدالتی بنی‌امیه

۱- در سال ۱۳۲ هجری

۳- نژادپرستی بنی‌امیه و تحقیر مسلمانان غیرعرب

۴- ناتوانی در اداره‌ی قلمرو وسیع



پرسش و جست‌وجو



۱- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :

الف - یکی از جنایات معاویه این بود که مسموم کرد.

ب - یکی از رهبران مبارزه علیه بنی‌امیه بود که مروان را شکست

داد.

۲- به دنبال وقوع چه جریانی، مردم شخصیت واقعی معاویه را شناختند؟

۳- دو علت سقوط بنی‌امیه را بنویسید.

۴- درباره‌ی سرنوشت کسانی که امام حسین (ع) و یارانش را به شهادت رساندند، تحقیق کنید

و نتیجه را به کلاس ارائه دهید.

۵- از نهضت عاشورا چه درسی می‌گیرید؟

خلافت بنی عباس

چگونگی تأسیس حکومت عباسی

پس از بنی امیه، بنی عباس به قدرت رسیدند^۱. آنان از مخالفان بنی امیه بودند. بنی عباس در میان مردم شهرت چندانی نداشتند و تنها با حيله گری توانستند به حکومت برسند. آنان برای رسیدن به حکومت، نمایندگانی را به نقاط گوناگون از جمله خراسان فرستادند که معروف ترین آن‌ها ابومسلم بود. این نمایندگان به هر جا می‌رفتند، مردم را به قیام برای به حکومت رساندن یکی از افراد خاندان پیامبر (ص) دعوت می‌کردند اما نمی‌گفتند که منظورشان چه کسی است. بدین ترتیب، دوستان خاندان پیامبر (ص) و دیگر مخالفان بنی امیه — که اکثراً از ایرانیان بودند — به آنان پیوستند. پس از آن که قیام علیه بنی امیه به پیروزی رسید، عباسیان به مردم فرصت انتخاب و تصمیم‌گیری ندادند و بلافاصله به جای آن‌ها نشستند. نخستین کسی که از عباسیان به خلافت رسید، سفاح بود.

منصور حکومت عباسیان را قدرتمند می‌کند

پس از سفاح، برادرش، منصور، به قدرت رسید. در آن هنگام، مردم به دلیل ظلم و ستم سفاح به سرعت از عباسیان ناراضی شده بودند. منصور در ابتدا، چون از قدرت ابومسلم می‌ترسید، او را با حيله و ناجوان مردانه به قتل رسانید. به دنبال قتل ابومسلم، عده‌ای از ایرانیان به خون‌خواهی او به قیام‌هایی دست زدند اما با شکست مواجه شدند. بیشتر این قیام‌ها در خراسان روی می‌داد. در ابتدا مردم به این قیام‌ها پیوستند اما چون رهبران آن‌ها ادعاهایی خلاف اسلام نمودند، از گرد آن‌ها پراکنده شدند و سپاهیان عباسی توانستند همه‌ی این قیام‌ها را سرکوب کنند. عباسیان با این که می‌دانستند امامان شیعه، شایسته‌ی حکومت بر مسلمانان هستند، شروع به قتل و آزار آنان کردند. امام جعفر صادق (ع) که در اوایل حکومت بنی عباس زندگی می‌کرد، توانست در ادامه‌ی راه پدر بزرگوارش، امام محمد باقر (ع)، شاگردان بسیاری را برای گسترش اسلام واقعی تربیت کند. بنی عباس که وجود

ایشان را مانعی بر سر راه حکومت خود می‌دانستند، آن حضرت را به شهادت رساندند. یکی از مهم‌ترین کارهای منصور بنای شهر بغداد بود. او این شهر را مرکز خلافت عباسیان قرار داد.

هارون الرشید، مشہور ترین خلیفہ عباسی

پنجمین خلیفه‌ی عباسی هارون الرشید نام دارد. او مشهورترین خلیفه‌ی عباسی است. در زمان هارون الرشید قدرت عباسیان افزایش یافت. علت اصلی قدرتمندی حکومت عباسیان در این زمان، آن بود که خاندانی ایرانی به نام برمکیان اداره‌ی امور حکومت را در دست داشتند. برمکیان از خاندان‌های قدیمی ایرانی بودند و وزارت هارون الرشید را داشتند. آن‌ها به تدریج چنان قدرتمند و مشهور شدند که خلیفه‌ی عباسی را عملاً به یک مقام تشریفاتی تبدیل کردند. این امر، هارون الرشید را نگران ساخت و او به یک باره همه‌ی آنان را قتل عام یا زندانی کرد. قتل عام برمکیان، عباسیان را دچار مشکلات فراوان ساخت؛ زیرا آنان خود توانایی اداره‌ی امور کشور را نداشتند.

به تدریج شمال آفریقا از دست عباسیان خارج شد و در ایران نیز ناآرامی‌هایی روی داد. شیعیان نیز از عباسیان ناراضی بودند؛ در این میان، هارون الرشید که می‌ترسید این مبارزات گسترده‌تر شود، امام موسی کاظم (ع) را زندانی کرد و سپس به شهادت رسانید.





برج دیده‌بانی در سامرا (عراق)
معروف به مَلویه (پیچ در پیچ) مربوط
به دوره عباسیان

اختلافات داخلی عباسیان و به خلافت رسیدن مأمون

هارون الرشید فرزندش، امین را به جانشینی خود برگزید و فرزند دیگرش، مأمون، را ولیعهد امین و حاکم خراسان گردانید. پس از مرگ هارون، امین در بغداد به خلافت نشست. مأمون نیز ولیعهد او و حاکم خراسان بود. پس از چندی، میان این دو، اختلاف افتاد. مأمون برای مقابله با امین، تصمیم گرفت که حمایت ایرانیان را جلب کند و در مقابل، خاندان عباسی نیز از امین حمایت کردند. سرانجام، میان دو برادر جنگ درگرفت و طاهر، سردار ایرانی مأمون، توانست سپاه امین را شکست دهد و پس از فتح بغداد او را به قتل برساند. بدین ترتیب، مأمون به خلافت رسید. او برای آن که طرفدارانی به دست آورد، با توجه به این که ایرانیان به امامان شیعه علاقه مند بودند، امام رضا (ع) را به اجبار از مدینه به خراسان آورد و ولیعهد خود ساخت. هدف‌های دیگر مأمون از این اقدام، زیر نظر گرفتن امام رضا (ع) و جلوگیری از قیام‌های شیعیان بود، اما به هیچ‌یک از اهداف خود نرسید. به همین دلیل، امام را به شهادت رساند. سه امام بعدی یعنی امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و

امام حسن عسکری (ع) نیز به مخالفت با سیاست‌های نادرست عباسیان ادامه دادند. خلفای عباسی هم آن‌ها را زندانی کرده و سرانجام به شهادت رساندند. در چنین شرایطی بود که به خواست خداوند امام مهدی (ع) از نظرها غایب شد.

عباسیان پس از مأمون ضعیف می‌شوند

پس از مأمون، اگرچه عباسیان بیش از چهارصد سال حکومت کردند و ده‌ها تن از آنان در بغداد بر تخت نشستند اما دیگر نتوانستند قدرت اولیه‌ی خود را به‌دست آورند. سرانجام، با تصرف بغداد به دست مغولان حکومت عباسیان منقرض شد.

دلایل ضعف عباسیان عبارت بود از:

- ۱- ظلم و ستم و دوری از اسلام: عباسیان حکومت را با نیرنگ و فریب به‌دست آوردند و با ظلم و ستم و سرکوب مردم، آن را حفظ کردند.
- ۲- قیام‌های متعدد: از اوایل تشکیل دولت عباسی، گروه‌های گوناگون در نواحی دور و نزدیک، با آنان به مخالفت پرداختند. حتی بسیاری از سرداران خلیفه نیز به امید به‌دست گرفتن حکومت، شورش کردند.



مرقد مطهر امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) در سامرا



مرقد مطهر امام موسی کاظم (ع) و امام جواد (ع) در کاظمین



مرقد مطهر امام رضا (ع) در مشهد مقدس

۳- بی‌کفایتی خلفا: بسیاری از خلفای عباسی، افرادی بی‌لیاقت بودند. آن‌ها امور حکومتی را رها کرده بودند و تمامی وقت خود را به عیش و نوش می‌گذراندند.

۴- تجزیه‌ی قلمرو عباسیان و استقلال یافتن کشورهای تابع این حکومت: با شروع اختلافات داخلی عباسیان، در نواحی مختلف جهان اسلام حکومت‌هایی به‌وجود آمد. این حکومت‌ها در ابتدا تابع خلیفه بودند اما به‌تدریج قوی و مستقل شدند. به این ترتیب، قدرت عباسیان تا حد زیادی کاهش یافت.

پرسش و جست‌وجو



- ۱- شگرد تبلیغاتی عباسیان برای به‌دست گرفتن قدرت چه بود؟
 - ۲- شهر بغداد در زمان کدام خلیفه بنا شد؟
 - ۳- چرا قتل‌عام برمکیان دولت عباسیان را به مشکلات فراوان دچار کرد؟
 - ۴- به نظر شما، چرا عباسیان با امامان شیعه دشمنی داشتند؟
 - ۵- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
- الف - امام موسی کاظم (ع) به دستور زندانی شد و سپس به شهادت رسید.
- ب - در زمان هارون الرشید وجود خاندانی ایرانی به‌نام امور حکومت را در دست داشتند.
- ۶- هدف مأمون از انتخاب امام رضا (ع) به ولیعهدی چه بود؟
 - ۷- درباره‌ی علت اختلاف مأمون و امین تحقیق کنید و نتیجه را در یک یا دو صفحه بنویسید.
 - ۸- ایرانیان در تحولات عصر عباسیان چه نقشی داشتند؟
 - ۹- رابطه‌ی بین گزینه‌ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :
- | | |
|--------------|--------------------------------|
| امین | خلیفه‌ی مقتول |
| مأمون | قتل ابو مسلم |
| هارون الرشید | انتخاب امام رضا (ع) به ولیعهدی |
| منصور | |

تشکیل حکومت‌های مستقل در ایران

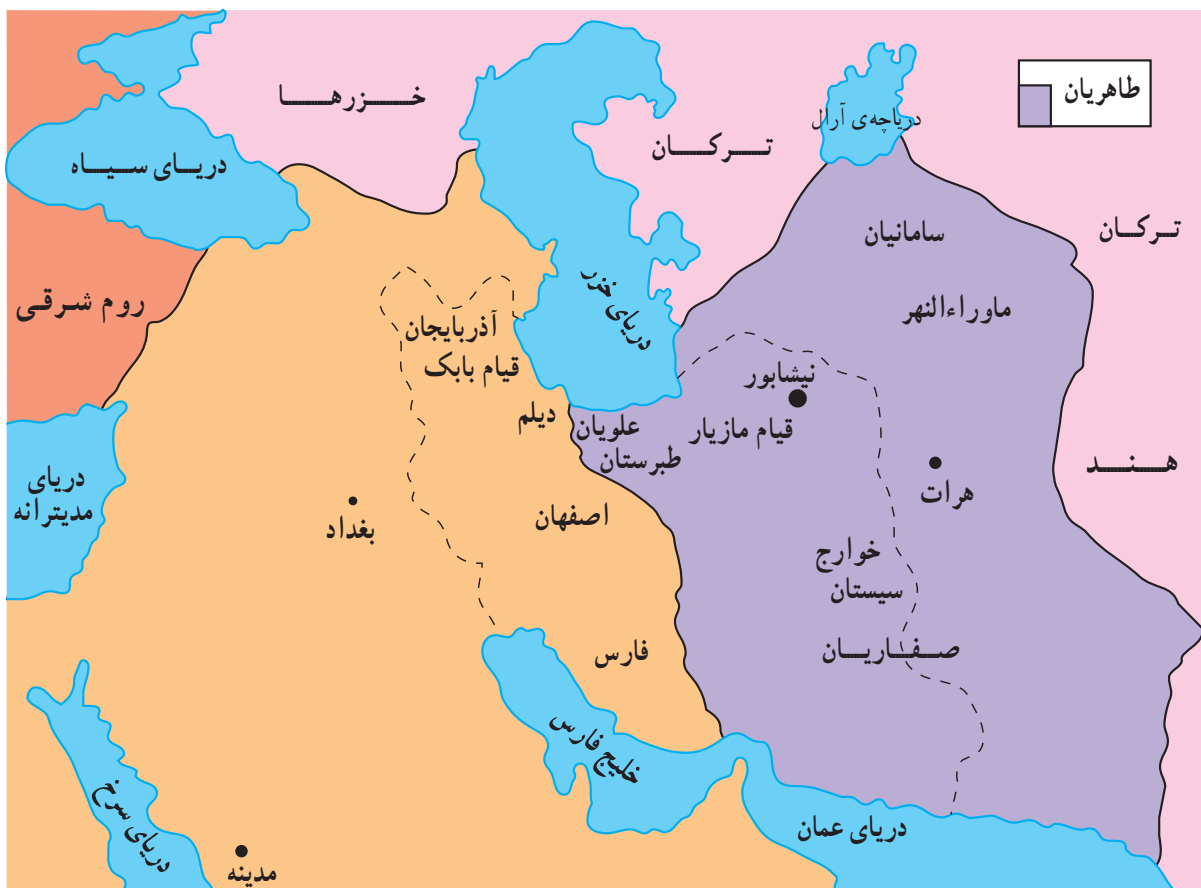
تشکیل حکومت طاهریان در خراسان

در قرن دوم هجری، قلمرو خلافت عباسیان بسیار وسیع شده بود. این قلمرو، سرزمین‌های پهناور و مردمی از نژادهای گوناگون را شامل می‌شد. خلیفه برای هر قسمت این قلمرو، حاکمی تعیین می‌کرد و می‌فرستاد که او را امیر می‌نامیدند.

در اوایل قرن سوم، مأمون خلیفه‌ی عباسی یکی از معروف‌ترین سرداران ایرانی خود به نام طاهر را امیر خراسان کرد. طاهر قصد داشت حکومتی مستقل تشکیل دهد. به همین جهت، به محض آن که فرصت را مناسب یافت، اعلام کرد که دیگر از مأمون اطاعت نمی‌کند. بدین ترتیب، اولین حکومت نیمه‌مستقل ایرانی بعد از اسلام در ایران تشکیل شد. این حکومت به نام طاهر، مؤسس آن، به طاهریان معروف گردیده است. طاهریان پس از آن که حکومت خراسان را به‌طور کامل در دست گرفتند، نیشابور را به پایتختی برگزیدند. طاهریان به عمران و آبادی و حمایت از کشاورزان علاقه داشتند؛ در نتیجه، در زمان حکومت آنان کشاورزان به آسودگی زندگی می‌کردند.

قیام‌های بابک و مازیار

قلمرو اصلی طاهریان، نواحی شرقی ایران بود. نواحی غربی ایران هنوز تحت نظارت مستقیم خلفای بغداد قرار داشت. در اوایل حکومت طاهریان، شخصی به نام بابک، در آذربایجان علیه خلیفه قیام کرد. بابک با خلیفه دشمن بود و توانست در بسیاری از جنگ‌ها سپاهیان او را شکست دهد. او و سپاهیان در حدود بیست سال برای خلفای عباسی مشکلات فراوانی به‌وجود آوردند اما سرانجام سپاهیان خلیفه آن‌ها را سرکوب کردند.



طاهریان ضعیف و سرنگون می‌شوند

پس از بابک، یکی از بزرگان سرزمین طبرستان (مازندران) به نام مازیار، قیام کرد. قیام او مدت‌ها به طول انجامید اما سرانجام طاهریان آن‌را سرکوب نمودند.

قیام‌های بابک و مازیار، طاهریان را از توجه به قسمت‌های شرقی ایران بازداشت؛ آخرین امیر طاهری، نیز فردی مقتدر نبود؛ در نتیجه، حکومت طاهریان رو به ضعف نهاد و سرانجام در اواسط قرن سوم هجری به دست یعقوب لیث سرنگون شد.



کاسه سفالی. قرن سوم هجری که در نیشابور پیدا شده است.

تأسیس حکومت صفاریان در سیستان

در شرایطی که حکومت طاهریان ضعیف شده بود و شورش‌های خوارج در سیستان موجب ناامنی و اذیت و آزار مردم می‌شد. در این هنگام، یکی از دلاوران سیستان به نام یعقوب، بسرلیث، به کمک عیاران علیه خوارج به پا خاست. یعقوب از گروه عیاران بود. عیاران گروهی بودند که طرفدار کمک به ضعیفان بودند.

یعقوب مردی دلیر، زیرک، بخشنده و جوان‌مرد بود؛ به همین دلیل، به رهبری عیاران رسید و سپس به کمک آنان، خوارج را سرکوب کرد. این اقدام او، طرفداران بسیاری برایش فراهم ساخت. یعقوب در ابتدا صفار (رویگر) بود و به همین دلیل، سلسله‌ای که تشکیل داد، صفاریان نامیده شد. سرانجام، وی با تصرف نیشابور سلسله‌ی طاهریان را منقرض کرد.



یک فرماندهی نظامی دوره‌ی صفاریان

تحریکات خلیفه‌ی عباسی حکومت صفاریان را ضعیف می‌کند

بعد از یعقوب، برادرش عمرولیث جانشین او شد. عمرولیث تصمیم گرفت با خلیفه عباسی صلح کند و به او مالیات بدهد و خلیفه نیز در عوض، حکومت او را تأیید کند. در زمان حکومت عمرولیث، قلمرو صفاریان بسیار گسترده شد. خلیفه که می‌ترسید عمرولیث به بغداد حمله کند، به‌طور پنهانی به تحریک مخالفان او پرداخت.

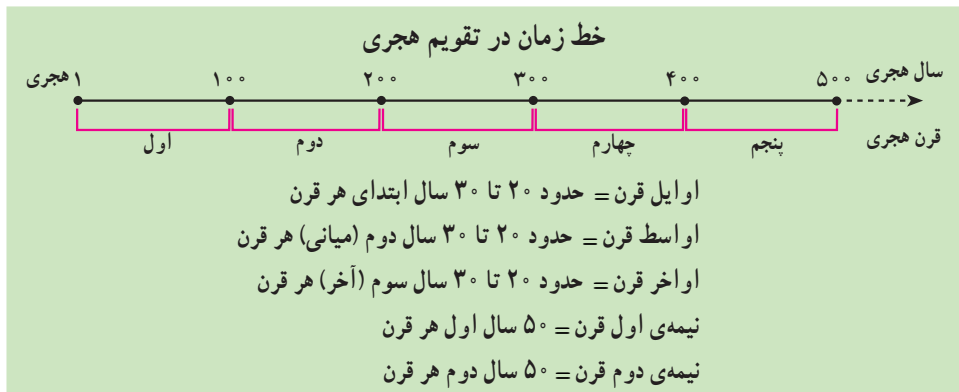
تشکیل حکومت سامانیان در ماوراءالنهر

هنگامی که عمرولیث صفاری، به جنگ با مخالفان مشغول بود، امیراسماعیل سامانی در

ماوراءالنهر حکومت سامانیان را تأسیس کرد. پدران اسماعیل، با مرزداری و جنگ با ترکان، قدرت گرفتند. آن گاه نوبت به اسماعیل رسید و او قلمرو سامانیان را بسیار گسترش داد. پایتخت امیراسماعیل شهر بخارا بود. او توانست عمرولیث صفّاری را شکست دهد و سراسر خراسان را تصرف کند. امیراسماعیل سامانی مردی دلیر و عادل بود و به عمران و آبادی کشور توجه بسیار داشت. در زمان او حکومت سامانیان به قدرت و وسعت چشم‌گیری دست یافت. امیراسماعیل سامانی و جانشینانش، از وجود وزیران بزرگی چون بلعمی و جیهانی بهره‌مند بودند. این وزیران، با خردمندی تمام به کارها رسیدگی می‌کردند. سامانیان به زبان فارسی علاقه داشتند و از شاعران و نویسندگان و دانشمندان حمایت می‌کردند. رودکی شاعر معروف ایرانی و دانشمندان نام‌آوری چون ابوعلی سینا و ابوریحان بیرونی در این زمان می‌زیستند.

اختلافات داخلی و حمله‌ی خارجی، سامانیان را منقرض می‌سازد

حکومت سامانیان در ابتدا با نظم اداره می‌شد اما پس از چندی، دچار مشکلات درونی بسیار شد. علت اصلی این مشکلات این بود که سپهسالاران یعنی فرماندهان بزرگ سپاه در کار وزیران دخالت می‌کردند. بیشتر این فرماندهان در اصل اسیران ترک نژادی بودند که به این مقام رسیده بودند. قدرت این سپهسالاران رفته‌رفته افزایش یافت، به حدّی که امیران سامانی بازیچه‌ی دست آنان شدند. علاوه بر مشکلات داخلی، سامانیان در مشرق و مغرب قلمرو خود نیز، با دشواری‌های فراوانی روبه‌رو بودند. در مغرب قلمرو آن‌ها، حکومت آل بویه تأسیس شده بود. از مشرق نیز حکومت مسلمان و ترک‌نژاد آل افراسیاب به قلمرو آنان حمله می‌کرد. سرانجام هم با حمله‌ی آل افراسیاب به بخارا در اواخر قرن چهارم هجری، عمر حکومت سامانیان به پایان رسید.





پرسش و جست و جو



- ۱- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :

الف - خلیفه عباسی برای هر قسمت از قلمرو خود حاکمی تعیین می کرد که او را می نامیدند.

ب - شاعر معروف دوره ی سامانیان نام داشت.

ج - علت اصلی مشکلات داخلی سامانیان دخالت در کار وزیران بود.
- ۲- رابطه ی بین گزینه ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :

ماوراءالنهر	مازیار
سیستان	بلعمی
طبرستان	خوارج
آذربایجان	طاهریان
خراسان	
- ۳- بابک در کجا قیام کرد؟
- ۴- شما کدام یک از حکومت هایی را که در این درس نام برده شده اند، مهم تر می دانید؟ چرا؟
- ۵- عیاران چه کسانی بودند؟
- ۶- از شاعران و دانشمندان به نام دوره ی سامانیان چه آثاری را می شناسید؟

حکومت علویان و دیلمیان

دیلم و دیلمیان

سرزمین‌های مازندران و گیلان کنونی، از نظر طبیعی شامل دو بخش جلگه‌ای و کوهستانی است. از روزگار قدیم، به قسمت کوهستانی گیلان، «دِیلم» و به مازندران «طبرستان» می‌گفتند. در درس سوم خواندید که چرا عرب‌های مسلمان نتوانستند بخشی از این مناطق را فتح کنند. از قرن سوم هجری، اسلام به تدریج در این منطقه گسترش یافت و حکومت‌هایی در آن‌جا پدید آمدند که به حکومت‌های دیلمی مشهورند. در این درس به اختصار با این حکومت‌ها آشنا می‌شوید.



یک جنگجوی دیلمی

دیلمیان از علویان طبرستان استقبال می‌کنند

در اواسط قرن سوم هجری، گروهی از شیعیان که از نسل امام علی (ع) بودند، و به آنان علویان گفته می‌شد، در میان مردم طبرستان و دیلم نفوذ کردند و آنان را به دین اسلام فراخواندند. علویان تمایلات استقلال‌طلبانه‌ی این مردم را بیش از پیش تقویت کردند و به کمک آنان، حکومت علویان را تأسیس نمودند. مرکز حکومت علویان شهر آمل بود. اگرچه حکومت علویان سرانجام به دست سامانیان منقرض شد اما پیروان و سپاهیان آن‌ها، فعالیت‌هایی را برای تشکیل حکومت آغاز کردند که از نتایج آن، تأسیس حکومت توسط دو سلسله‌ی آل زیار و آل بویه بود.

آل زیار نخستین سلسله‌ی دیلمیان

پس از سرنگونی حکومت علویان به‌دست سامانیان در اوایل قرن چهارم هجری، بسیاری از سربازان و سرداران دیلمی که در خدمت علویان بودند، به دلیل نداشتن رهبری و حکومت، دچار سرگردانی شدند. طولی نکشید که تعدادی از آنان به خدمت سامانیان درآمدند. از جمله دیلمیانی که به‌خدمت سامانیان درآمد، **مردآویج**، پسر زیار بود. او که از سرداران دلیر دیلمی بود، آرزو داشت که حکومتی مستقل تشکیل دهد. **مردآویج** کار خود را با تصرف گرگان و طبرستان آغاز کرد؛ سپس برخی دیگر از شهرهای مرکزی و غربی ایران را به تصرف درآورد. او **اصفهان** را پایتخت خود قرار داد و چون تصمیم داشت حکومتی مانند ساسانیان ایجاد کند، دستور داد بسیاری از آداب و رسوم ساسانیان را دوباره احیا کنند اما در همین زمان، به دلیل بدرفتاری با سپاهیان خود، به‌دست آنان کشته شد. پس از این واقعه حکومت آل زیار ضعیف شد و سرانجام به‌وسیله‌ی سلجوقیان از میان رفت.



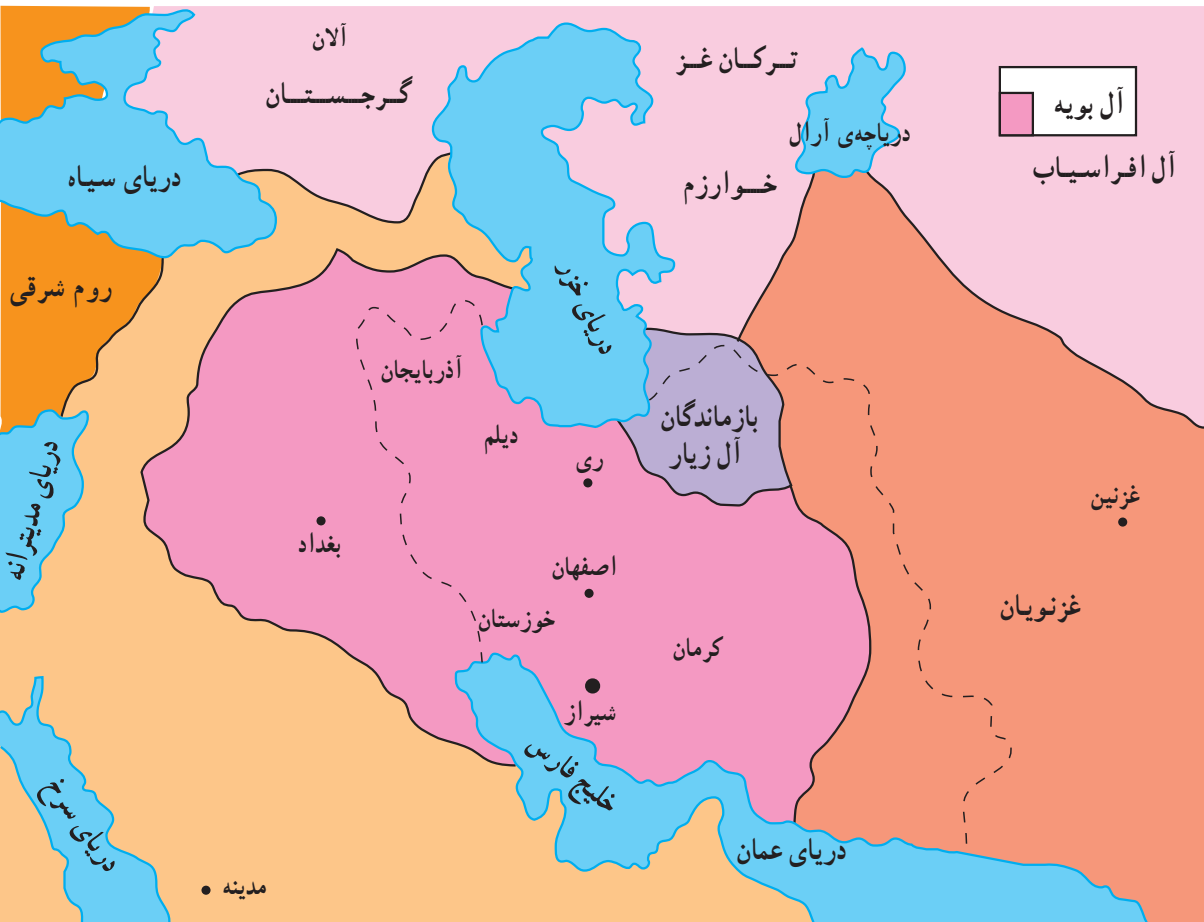
مقبره‌ی قابوس، یکی از فرمانروایان آل زیار در گنبد کاووس

آل بویه، دومین سلسله‌ی دیلمیان

از جمله دیلمیانی که به مردآویج پیوستند، علی و حسن و احمد، پسران ماهی‌گیری به نام بویه بودند. آنان پس از قتل مردآویج حکومت مستقلی به نام آل بویه تأسیس کردند.

احمد و حسن دو امیر دیلمی، از برادر بزرگ خود، علی، اطاعت می‌کردند. درحقیقت، علی امیر بزرگ آل بویه به‌شمار می‌آمد. آل بویه دشمن خلیفه‌ی عباسی بودند؛ درنتیجه، احمد با سپاهیان بسیار، برای فتح بغداد به عراق لشکر کشید. او توانست بغداد را فتح کند و خلیفه را به زندان افکند. از این پس تا حدود یک قرن خلفای عباسی مطیع آل بویه بودند.

فرمانروایان آل بویه پیرو مذهب شیعه بودند و در دوران زمامداری آنان مراکز علمی شیعه در بغداد، ری و قم گسترش یافت و عالمان برجسته‌ای در آن مراکز مشغول تدریس و تألیف بودند.



امیر عضدالدوله‌ی دیلمی

مشهورترین فرمانروای دیلمی، عضدالدوله، فرزند حسن بود. در زمان او، آل بویه بسیار قدرتمند بودند. عضدالدوله به عمران و آبادی علاقه‌ی بسیار داشت. او بیمارستان عضدی را در بغداد تأسیس کرد که در آن، پزشکان علاوه بر درمان بیماران، به آموزش علم طب نیز می‌پرداختند. هم‌چنین به دستور عضدالدوله، بر رودخانه‌ی کُر در فارس، سدی بستند که به بند امیر معروف است. در زمان آل بویه، کشاورزی رونق فراوان یافت و بسیاری از زمین‌ها آباد شدند. توجه به دانشمندان و عالمان نیز از جمله سیاست‌های آل بویه بود. ابوعلی سینا دانشمند نامدار ایرانی در اواخر عمر، وزیر یکی از شاهزادگان آل بویه در همدان بود.



ابوعلی سینا دانشمند بزرگ مسلمان ایرانی، وی در حدود ۱۰۰۰ سال پیش به دنیا آمد. در فلسفه و پزشکی و داروسازی استادی بی‌نظیر بود. بیش از ۱۰۰ کتاب نوشت که بیشتر آن‌ها به زبان عربی است. بعضی از آثار او به زبان‌های اروپایی ترجمه شده است. آیا می‌دانید چرا این سینا بیشتر آثار خود را به زبان عربی نوشته است؟

پس از عضدالدوله، هر یک از شاهزادگان دیلمی حکومتی مستقل تشکیل دادند. آنان اغلب اوقات برای به‌دست آوردن قلمرو بیشتر، با یک‌دیگر درگیر می‌شدند.



- ۱- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
 الف - به گروهی از شیعیان که از نسل امام علی (ع) بودند گفته می شد.
 ب - مشهورترین فرمانروای دیلمی نام داشت.
 ج - علی و حسن و احمد فرزندان ماهی گیری به نام بودند.
 ۲- رابطه ی بین گزینه ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :

عضدالدوله	حمله به عراق و فتح بغداد
احمدبن بویه	تأسیس بیمارستان عضدی در بغداد
علویان	انقراض به دست سامانیان
علی بن بویه	
- ۳- حکومت علویان طبرستان چگونه شکل گرفت؟
- ۴- عضدالدوله برای عمران و آبادی کشور چه کرد؟
- ۵- به نظر شما، تفاوت اصلی حکومت آل بویه با دیگر حکومت هایی که تاکنون با آنها آشنا شده اید، چیست؟

غزنویان و سلجوقیان

غزنویان

یکی از سپهسالاران ترک حکومت سامانی، آلپتکین نام داشت. آلپتکین در اواخر عمر خود، به شهر غزنین^۱ رفت. او و جانشینانش، در این شهر حکومتی تشکیل دادند و به همین دلیل، غزنویان نامیده شدند.

مشهورترین فرمانروای غزنوی، سلطان محمود غزنوی بود. او قلمرو غزنویان را گسترش داد. به سیستان لشکر کشید و بقایای صفاریان را برانداخت. سپس به خراسان و ماوراءالنهر حمله کرد. او قسمتی از قلمرو آل بویه را نیز به تصرف درآورد.

یکی از کارهای سلطان محمود لشکرکشی به هندوستان^۲ بود. او چندین بار به این سرزمین لشکر کشید. در نتیجه‌ی این لشکرکشی‌ها، علاوه بر این که بر قلمرو غزنویان افزوده شد، با غارت بت‌خانه‌های هندوستان، ثروت‌های فراوانی نصیب سلطان محمود گشت. همین امر عامل حمله‌های بعدی غزنویان به هندوستان بود.

آیا می‌دانید...

فردوسی شاعر اندیشمند ایرانی در زمان فرمانروایی سلطان محمود غزنوی زندگی می‌کرد. او با سرودن شاهنامه نقش مهمی در حفظ و تداوم فرهنگ و تاریخ ایران داشت. بسیاری از شاعران پس از او در سرودن شعر از شاهنامه تأثیر گرفتند. این مجموعه همواره به‌عنوان اثری بی‌نظیر به یادگار خواهد ماند.

۱- در افغانستان کنونی.

۲- هندوستان در آن زمان کشورهای هند، پاکستان، بنگلادش و سریلانکای امروزی را شامل می‌شد.

غزنویان ضعیف می‌شوند

پس از سلطان محمود، پسرش مسعود، حکومت را به دست گرفت. سلطان مسعود از کاردانی و تدبیر پدرش، بهره‌ای نداشت. علاوه بر آن، به لشکرکشی‌های متعدد به نواحی مختلف ایران و هند مشغول شد؛ از این رو از مرزهای شمالی قلمرو غزنویان، یعنی ماوراءالنهر غفلت کرد؛ در نتیجه، گروهی دیگر از ترکان به نام سلجوقیان وارد خراسان شدند و پس از چندی با درهم شکستن سپاه سلطان مسعود، او را فراری دادند. پس از این شکست، حکومت غزنوی مدتها به صورت یک حکومت کوچک محلی در غزنین به حیات خود ادامه داد.



سلجوقیان

بنیان‌گذار سلسله‌ی سلجوقیان، طغرل نام داشت. جد طغرل، سلجوق نام داشت و به همین دلیل، حکومتی که او تأسیس کرد، سلجوقی نامیده شد. سلجوقیان در جست‌وجوی چراگاه برای دام‌های خود، به تدریج از دشت‌های آسیای مرکزی وارد ماوراءالنهر و خراسان شدند. سلطان مسعود غزنوی در صدد بیرون راندن آنان برآمد اما طغرل توانست در جنگ دَندانقان او را شکست دهد^۱. طغرل پس از پیروزی بر غزنویان، بقایای حکومت آل زیار را برانداخت. سپس به نواحی مرکزی و غربی ایران رفت و حکومت‌های شاهزادگان آل بویه را منقرض نمود و قلمرو خود را تا شام گسترش داد.



برج گنبدی مربوط به دوره‌ی سلجوقی. این برج در منطقه‌ی دماند قرار دارد.

پس از طغرل، برادرزاده‌اش، **آلب ارسلان** به سلطنت رسید. او فتوحات سلجوقیان را ادامه داد. از جمله به روم شرقی (بیزانس) لشکر کشید و در جنگ ملازگرد، شکست سختی بر سپاهیان روم شرقی وارد آورد و امپراتور روم را اسیر کرد (به نقشه‌ی صفحه‌ی بعد نگاه کنید). در نتیجه‌ی فتح ملازگرد قسمت‌های بزرگی از آسیای صغیر به تصرف ترکان مسلمان درآمد و این امر اروپاییان را نگران ساخت. جانشین آلب ارسلان پسرش، **سلطان ملکشاه** بود. او مشهورترین سلطان سلجوقی است؛ زیرا با فتوحات او، تصرفات سلجوقیان از شرق تا نزدیکی چین و از غرب تا دریای مدیترانه گسترش یافت. پایتخت ملکشاه شهر اصفهان بود.



مناره‌ی مسجد جامع ساوه از آثار دوره‌ی سلجوقی



مشهورترین وزیر دوره‌ی سلجوقی خواجه نظام الملک توسی است. او بناهای متعددی برپا کرد که از همه مهم‌تر مدارس نظامیه بود. مدارس نظامیه در شهرهای بزرگ مانند بغداد و نیشابور تأسیس شده بود و محل تحصیل طلاب و تجمع دانشمندان به‌شمار می‌آمد.



یکی از جلسات درس در مدارس نظامیه

تجزیه‌ی قلمرو سلجوقیان

تصرّف سرزمین‌های بسیار و تأسیس حکومت سلجوقیان، با وحدت فرزندان سلجوق و وجود وزیران لایق ایرانی میسر گردید اما پس از ملکشاه و خواجه نظام الملک، قلمرو سلجوقیان تجزیه شد و حکومت آن‌ها رو به انقراض رفت. علت اصلی این امر، درگیری بر سر جانشینی ملکشاه بود. چند سال بعد از مرگ ملکشاه سلطان سنجر فرزند او کوشید حکومت سلجوقی را بار دیگر قوی و متحد سازد اما موفق نشد. علت عدم موفقیت وی در حفظ قدرت سلجوقیان، پیدایش حکومت‌های جدید و نیرومند در شمال شرقی ایران بود. به همین دلیل، سلطان سنجر پایتخت خود را شهر مرو در شمال خراسان قرار داد تا به مرزهای شمال شرقی ایران نزدیک باشد. یکی از مهم‌ترین دشمنان سلجوقیان، خوارزمشاهیان بودند. آن‌ها ابتدا از زیردستان سلجوقیان بودند اما هنگامی که آنان را ضعیف و گرفتار دشمنان بسیار مشاهده کردند، اعلام استقلال نمودند و به تدریج خراسان را به تصرّف درآوردند. با تصرّف کامل خراسان به وسیله‌ی خوارزمشاهیان، بقیه‌ی قلمرو سلجوقیان نیز به وسیله‌ی شاهزادگان سلجوقی تجزیه و تقسیم شد و به جای آن، حکومت‌های محلی به وجود آمدند.

اسماعیلیان، فرمانروایان کوهستان‌ها

در دوره‌ی سلجوقی، اسماعیلیان^۱ در ایران طرفدارانی به دست آوردند. در زمان سلجوقیان، رهبری اسماعیلیان را شخصی به نام حسن صَبّاح به عهده داشت. او که شخصی زیرک بود، مُبلّغانی را به نواحی مختلف فرستاد و توانست طرفدارانی به دست آورد. هم‌چنین قلعه‌های کوهستانی بزرگ مانند اَلَموت در نزدیکی قزوین را در اختیار گرفت و مرکز فعالیت خود قرار داد.

حسن صَبّاح مخالف سلجوقیان بود و با آنان مبارزه می‌کرد. او تعدادی از پیروان خود را مأمور کرده بود که مخالفانش را به قتل برسانند. از جمله کسانی که به دست پیروان صَبّاح به قتل رسید، خواجه نظام الملک بود.

۱- اسماعیلیان یکی از فرقه‌های شیعی می‌باشند که علی‌رغم تأکید پیامبر اکرم (ص) بر امامت ۱۲ امام معصوم و تأکید امام صادق (ع) به امامت امام موسی کاظم (ع) (و فرزندان وی تا امام زمان (عج))، به امامت اسماعیل فرزند امام صادق (ع) اعتقاد دارند.



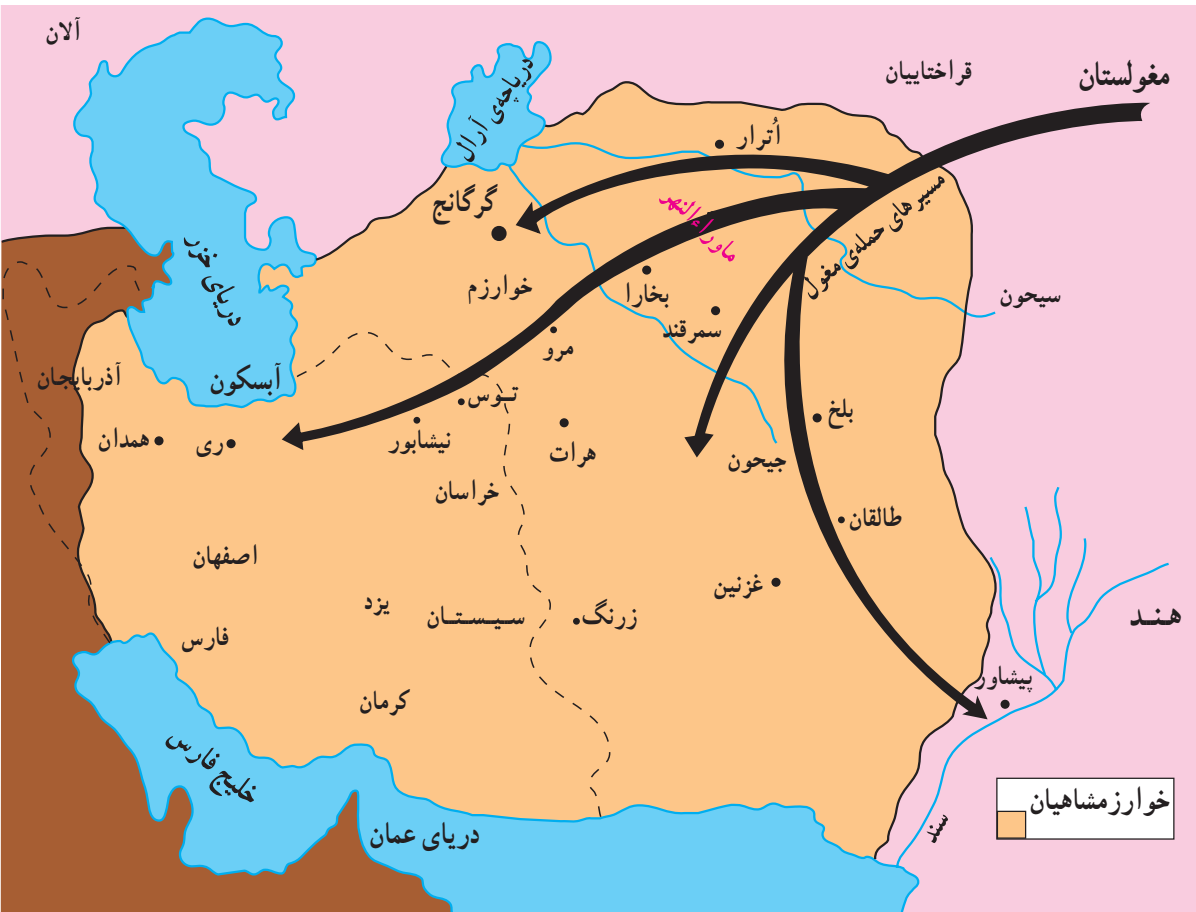
- ۱- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
 - الف - مشهورترین فرمانروای غزنوی بود.
 - ب - بنیانگذار سلسله سلجوقیان نام داشت.
 - ج - مشهورترین وزیر دولت سلجوقی بود.
- ۲- رابطه‌ی بین گزینه‌ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :

جنگ با روم شرقی	سلطان سنجر
لشکرکشی به هند	سلطان محمود غزنوی
انتقال پایتخت به شهر مرو	آلب ارسلان
	طغرل
- ۳- محمود غزنوی چه مناطقی را بر قلمرو غزنویان افزود؟
- ۴- جنگ ملازگرد بین چه کسانی رخ داد و نتیجه‌ی آن چه شد؟
- ۵- چرا مدارس عصر سلجوقی به «نظامیه» معروف شدند؟
- ۶- با توجه به نقشه‌ی صفحه‌ی ۴۵ و ۴۸، بگویید قلمرو غزنویان وسیع‌تر بود یا سلجوقیان؟ چرا؟
- ۷- درباره‌ی روابط سلطان محمود غزنوی با فردوسی مطلب کوتاهی تهیه کنید.
- ۸- دلایل تجزیه و انقراض حکومت سلجوقیان را بنویسید.
- ۹- با استفاده از نقشه‌های قلمرو غزنویان و سلجوقیان بیان کنید که چه مناطق جدیدی به قلمرو حکومت سلجوقی افزوده شده است؟

خوارزمشاهیان و مغولان

سلطان محمد خوارزمشاه

سرزمین خوارزم در جنوب دریاچه خوارزم (آرال کنونی) قرار داشت و فرمانروایان آنجا خوارزمشاه یعنی شاه خوارزم نامیده می‌شدند. یکی از مشهورترین خوارزمشاهیان که پس از انقراض حکومت سلجوقیان به قدرت رسید، سلطان محمد خوارزمشاه بود.



حکومت خوارزمشاهیان تا زمان سلطان محمد به موفقیت‌هایی دست یافته بود اما بنیان‌های محکم و استواری نداشت؛ زیرا خوارزمشاهیان بر حکومت‌های محلی تسلط نداشتند. از سوی دیگر، سلطان محمد خوارزمشاه و خلیفه‌ی عباسی با یک‌دیگر دشمن بودند. به علاوه، مادر سلطان محمد^۱، در کارها مداخله می‌کرد و باعث آشفتگی می‌شد. این مسائل نارضایتی مردم را بیشتر می‌کرد. سلطان محمد که پادشاهی مغرور بود، در اواخر سلطنت خود، با قراختاییان به جنگ پرداخت و حکومت قراختایی را منقرض کرد. مورخان این کار سلطان محمد را اشتباهی بزرگ دانسته‌اند.

به کمک نقشه‌ی صفحه‌ی قبل حدس بزنید چرا این کار سلطان محمد اشتباه بوده است؟

قدرت‌یابی چنگیزخان

مغولستان سرزمینی است در شمال کشور چین با آب و هوای سرد و خشک. در این سرزمین، اقوام بیابان‌گردی به نام مغول زندگی می‌کردند که بیشتر اوقات خود را به قتل و غارت یک‌دیگر یا هجوم به سرزمین‌های آباد می‌گذراندند. در زمان سلطان محمد خوارزمشاه، چنگیزخان حاکم مغولستان بود. او پس از جنگ‌های بسیار، به ریاست قبیله‌های مغول رسیده بود.

چنگیزخان دشمنان خود را با بی‌رحمی نابود می‌کرد. به علاوه، چون تصمیم داشت به کشورهای اطراف حمله کند و به غارت ثروت‌های مردم آن سرزمین‌ها بپردازد، مغول‌ها او را فرمانروایی مناسب می‌دانستند و دستوراتش را که یاسا (قانون) نامیده می‌شد، دقیقاً اجرا می‌کردند.

آیا می‌دانید...

عمل به مقررات وضع شده توسط چنگیزخان یا همان یاسا برای مغول‌ها بسیار اهمیت داشت و تخلف از آن مجازات‌های سختی به دنبال داشت. به همین دلیل هرگاه سخن از سخت‌گیری به میان می‌آید، گفته می‌شود: «مگر یاسای چنگیز است» یا «یاسای چنگیز هم به این سختی نبود».

چنگیزخان در ابتدا به چین حمله کرد و با کشتار ساکنان شهرها و غارت اموال آنان، شمال این کشور را تصرف کرد.

حمله‌ی مغول‌ها به ایران

چنگیزخان پس از تصرف چین در سال ۶۱۶ هجری به ایران حمله کرد. وقتی سلطان محمد از حمله‌ی سپاهیان چنگیزخان با خبر شد، به جای چاره‌اندیشی و مقاومت پا به فرار گذاشت و پس از مدتی آوارگی درگذشت. مغول‌ها وارد ایران شدند و با وجود مقاومت دلیرانه‌ی مردم، به سرعت بسیاری از شهرهای بزرگ را تصرف و ویران کردند. آن‌ها صدها هزار نفر را به قتل رساندند و هر چه می‌توانستند غارت کردند. حمله‌ی مغول وحشیانه‌ترین و زیان‌بارترین حمله‌ها به ایران بوده است.

از جمله کسانی که در مقابل مغول‌ها ایستادگی کرد، سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه، پسر سلطان محمد بود. جلال‌الدین چندین بار با سپاهیان مغول به جنگ پرداخت اما سرانجام به‌دست فردی ناشناس کشته شد. با مرگ او عُمر سلسله‌ی خوارزمشاهیان به پایان رسید.



مغول‌ها، بسیاری از شهرهای آباد را ویران کردند.

لشکرکشی هلاکوخان به ایران

چنگیزخان در اواخر عمر، متصرفات خود را که از چین تا اروپا گسترده شده بود، میان چهار فرزند خویش تقسیم کرد^۱.

۱- جوچی، تولوی، اُگتای و جغتای.

فرزندان چنگیزخان، پس از مرگ او تصمیم گرفتند بار دیگر به ایران حمله کنند؛ زیرا مردم مسلمان ایران، سلطه‌ی مغول‌ها را نمی‌پذیرفتند و در بعضی شهرها و روستاها قیام‌هایی برضد حاکمان مغول صورت گرفت. خلیفه‌ی بغداد نیز حاضر به اطاعت از خان مغول نمی‌شد. مأموریت حمله به ایران به هلاکوخان، نوه‌ی چنگیز، واگذار شد. این حمله حدود چهل سال پس از حمله‌ی چنگیزخان آغاز گردید. هلاکوخان با سپاهی بزرگ به ایران حمله نمود. سپس به بغداد حمله کرد و پس از فتح این شهر، آخرین خلیفه‌ی عباسی را به قتل رساند. بدین ترتیب، حکومت عباسیان در سال ۶۵۶ هجری منقرض شد. سپاهیان هلاکوخان به هر جا که وارد می‌شدند، با قتل و غارت، آنجا را فتح می‌کردند. در نتیجه، بسیاری از شهرها ویران شد.

حکومت ایلخانان مغول در ایران

هلاکو، پس از فتح ایران، مراغه را پایتخت خود قرار داد و حکومتی را تأسیس کرد که به حکومت ایلخانان شهرت یافت.

هلاکو و جانشینانش هنگامی که تصمیم گرفتند در ایران بمانند، برای خود وزیران و کارمندان ایرانی انتخاب کردند. آیا می‌دانید چرا؟



مغول‌ها تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی قرار گرفتند و بسیاری از عادت‌های زشت و وحشی‌گری‌های گذشته را کنار گذاشتند. در این دوره، ایرانیان با تدبیری چون **خواجه نصیرالدین توسی** و **خواجه رشیدالدین فضل‌الله** به وزارت مغولان رسیدند و از این طریق به مردم ایران بسیار خدمت کردند.

پایان حکومت ایلخانان

پس از **غازان خان** که معروف‌ترین فرمانروای ایلخانی بود، حکومت ایلخانان ضعیف شد؛ زیرا سرداران مغول که قدرت بسیاری داشتند و انتخاب ایلخانان، با نظر آنان صورت می‌گرفت، با دخالت در اداره‌ی کشور باعث بی‌نظمی بسیار می‌شدند. آخرین ایلخان مغول به نام **ابوسعید** (برادرزاده‌ی **غازان خان**) نیز جوانی کم‌تجربه بود. به‌علاوه، فرزندی نداشت و عمر چندانی نکرد. هنگامی که **ابوسعید** مُرد، قلمرو او میان سرداران مغول و بستگانش تجزیه شد و حکومت ایلخانان در اواسط قرن هشتم (۷۳۶ هـ.ق) منقرض گردید.



مقبره‌ی **الجایتو**
(معروف به **سلطان محمد**
خداپنده)، یکی از ایلخانان
مغول در سلطانیه، نزدیک
زنجان. این بنا از
مهم‌ترین آثار است که
به دست معماران ایرانی
ساخته شده است و از
جهت بزرگی گنبد در جهان
کم‌نظیر است.

حمله‌ی مغول‌ها و سلطه‌ی آنان بر ایران نتوانست روح استقلال‌طلبی، مسلمانی و علم‌دوستی ایرانیان را از بین ببرد. با فروکش کردن موج ویرانگری‌ها، علما و دانشمندان فعالیت‌های خود را از سرگرفتند. مساجد و مدارس رونق یافتند، صدها کتاب در زمینه‌های مختلف (تاریخ، جغرافیا، علوم‌دینی، نجوم، ریاضیات، پزشکی و ...) نوشته شد. یکی از مهمترین مراکز علمی این زمان رصدخانه مراغه بود که به همت خواجه نصیرالدین توسی ساخته شد و ده‌ها دانشمند ایرانی، عرب، چینی و هندی در آن مشغول مطالعه و تحقیق در زمینه‌ی نجوم بودند. کتابخانه‌ی این رصدخانه نیز شامل ده‌ها هزار جلد کتاب می‌شد که بیشتر آن‌ها را خواجه نصیرالدین توسی در جریان حملات مغول‌ها از شهرهای مختلف جمع‌آوری کرده بود. هزینه‌ی اداره‌ی این رصدخانه از درآمد موقوفاتی تأمین می‌شد که با تلاش خواجه برای آن در نظر گرفته شده بود.

پرسش و جست‌وجو



- ۱- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
 الف - از جمله کسانی که در مقابل مغول‌ها ایستادگی کرد پسر سلطان محمد بود.
 ب - هلاکو پس از تصرف ایران شهر را پایتخت خود قرار داد.
 ج - به دستورات چنگیز می‌گفتند.
- ۲- رابطه‌ی بین گزینه‌ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :
 به قتل رساندن آخرین خلیفه عباسی چنگیزخان
 حاکم مغولستان در زمان سلطان محمد خوارزمشاه ابوسعید
 هلاکوخان
- ۳- چرا حکومت خوارزمشاهیان بنیان‌های محکم و استواری نداشت؟
- ۴- درباره‌ی علت حمله‌ی چنگیزخان تحقیق کنید و نتیجه‌ی آن را در کلاس بیان کنید.
- ۵- دو شخصیت برجسته‌ی ایرانی در زمان حکومت مغول‌ها را نام ببرید.
- ۶- دو علت انقراض حکومت ایلخانان را بیان کنید.
- ۷- آیا می‌دانید حکومت عباسیان چند سال طول کشید؟

ایران در زمان تیموریان

حکومت شیعی سربداران

در حالی که ستم و ناامنی در اواخر حکومت ایلخانان گسترش یافته بود، یک روحانی به نام شیخ خلیفه، به هدایت مردم برای قیام علیه ظالمان پرداخت. سخنان او در میان مردم خراسان و طبرستان (مازندران) مورد قبول واقع شد. حاکمان مغول که از قیام مردم می‌ترسیدند، شبانه شیخ خلیفه را در مسجد سبزوار به دار آویختند. پس از شیخ خلیفه، شاگرد او، شیخ حسن جُوری، راه استاد خویش را ادامه داد اما مغول‌ها او را نیز دستگیر و زندانی کردند.



بقایای یک قلعه در روستای باشتین معروف به قلعه‌ی سربداران

پس از مرگ آخرین ایلخان مغول، زمانی که تعدادی از سربازان مغول، برای غارت و خوش‌گذرانی به روستای باشتین در نزدیکی سبزوار رفته بودند، مردم قیام کردند و آنان را به قتل رساندند و اعلام کردند: «سربه‌دار می‌دهیم و تن به ذلت نمی‌دهیم». به همین جهت، قیام آنان و حکومتی که تأسیس کردند، به سربداران معروف شد.

رهبران قیام سربداران، دو برادر به نام‌های عبدالرزاق و وجیه‌الدین مسعود بودند. آنان با

بیرون راندن مغول‌ها از خراسان، حکومت سربداران را تأسیس کردند. وجیه‌الدین مسعود، شیخ حسن را از زندان نجات داد و قلمرو سربداران را توسعه بخشید.

لشکرکشی‌های تیمور

هنگامی که چنگیزخان متصرفات خود را میان فرزنداناش تقسیم کرد، ماوراءالنهر را به جغتای داد. مدتی بعد قلمرو نوادگان جغتای نیز مانند قلمرو ایلخانان در ایران، به دلیل جنگ میان فرماندهان مغول دچار آشفتگی شد. از جمله‌ی این فرماندهان، شخصی به نام تیمور بود که ادعا می‌کرد از بستگان چنگیز است. وی که فرماندهای بی‌باک و در عین حال بی‌رحم بود به تدریج بر ماوراءالنهر حاکم شد و سمرقند را پایتخت خود قرار داد.

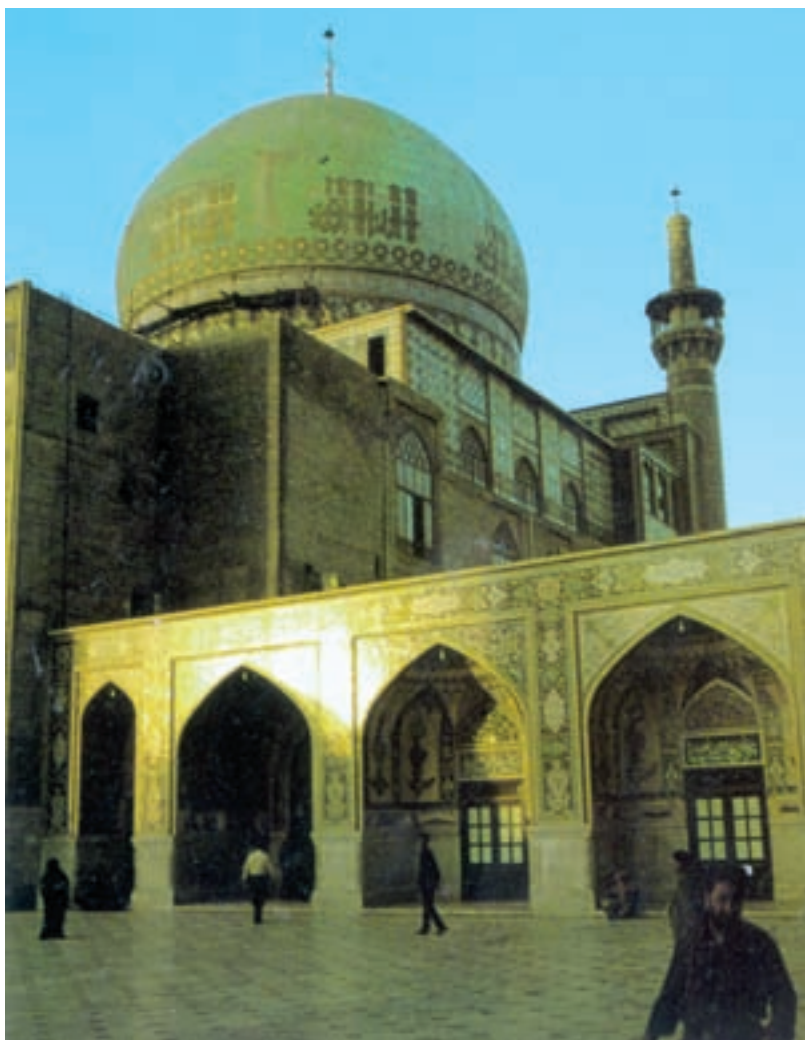
آیا می‌دانید...

تیمور پیش از رسیدن به فرمانروایی، مدت‌ها در خدمت دیگر حاکمان بود. مدتی نیز در ماوراءالنهر، خراسان و سیستان مشغول تاخت و تاز و غارتگری بود. در جریان یکی از این حملات در سیستان پای او مجروح شد و از آن پس تا آخر عمر می‌لنگید. به همین دلیل در تاریخ به «تیمور لنگ» نیز مشهور شده است.



تیمور و اطرافیانش

سرانجام شاهرخ پسر تیمور توانست با غلبه بر رقیبان به عنوان جانشین پدر حکومت را در دست گیرد. شاهرخ که سال‌ها در خراسان به سر برده بود و تحت تأثیر فرهنگ و تمدن ایرانی قرار گرفته بود، برخلاف پدرش، مردی آرامش طلب بود و به عمران و آبادی علاقه داشت. او پایتخت خود را شهر هرات قرار داد و آن شهر را مرکز هنرمندان و دانشمندان ساخت. همسرش، گوهرشاد نیز مشوق او در این گونه فعالیت‌ها بود و از جمله خودش در شهر مشهد مسجد گوهرشاد را بنا کرد. این وضع در زمان جانشینان شاهرخ نیز کمابیش ادامه یافت.



مسجد گوهرشاد در مشهد

علم و دانش



یک کره‌ی جغرافیایی مربوط به قرن هشتم هجری

تا این‌جا با تاریخ ایران بعد از اسلام تا دوره‌ی تیموریان آشنا شدید. در این‌جا لازم است به وضعیت علمی مسلمانان به‌ویژه ایرانیان، پس از اسلام اشاره‌ای داشته باشیم. در قرآن کریم و سخنان پیامبر (ص) بر فراگیری علم تأکید بسیار شده است. به همین جهت، ایرانیان مسلمان از همان ابتدا برای آموختن علوم گوناگون بسیار می‌کوشیدند. در قلمرو اسلامی، سرزمین‌ها و ملت‌های گوناگون با میراث‌های علمی و تمدنی گوناگونی وجود داشت و نیز به علت همسایگی این قلمرو با کشورهای مانند هند، یونان و روم، میزان پیشرفت‌های علمی در میان مسلمانان بسیار زیاد بود. در واقع مسلمانان با کسب دانش‌های دیگران و ترکیب آن‌ها با دانسته‌ها و عقیده‌ی اسلامی خود، فرهنگ و دانش‌های جدیدی را پایه‌گذاری کردند. ایرانیان در این زمینه در جهان اسلام سرآمد بودند.



یک ظرف باقی‌مانده از قرن هفتم هجری که در ری به‌دست آمده است.

فراگیری خواندن و نوشتن، نخستین مرحله‌ی ورود به دنیای علم و دانش بود. کسانی که در خواندن و نوشتن مهارت می‌یافتند، به دنبال کسب علوم گوناگون می‌رفتند. دانشمندان ایرانی در زمینه‌های خداشناسی، فلسفه، تاریخ، جغرافیا، ریاضیات، فیزیک، پزشکی و دیگر رشته‌های علمی به مطالعه و تألیف مشغول بودند. فارابی، زکریای رازی، ابن‌سینا، ابوریحان بیرونی و خواجه نصیرالدین توسی از جمله‌ی این نام‌آوران ایرانی هستند.



یک کاروان سرا. علاوه بر شهرها، در بین راه‌ها نیز از کاروان سراها استفاده می‌شد.

علاوه بر رشته‌های علمی، ایرانیان مسلمان در زمینه‌ی هنر و معماری نیز فعالیت‌های چشم‌گیری داشتند. ارزش‌های دینی و نیازهای زندگی، عوامل اصلی پیدایش و ترقی این نوع فعالیت‌ها بود. مساجد، مدرسه‌ها، کاروان سراها و کاخ‌ها از میراث‌های معماری و صنایع فلزی، سفال‌گری، کاشی‌کاری، نقاشی، خوش‌نویسی و قالی‌بافی از مظاهر هنر ایرانیان در این دوران به‌شمار می‌روند. در کتاب فارسی، با بعضی از این هنرها آشنا شده‌اید. کمال‌الدین بهزاد از معروف‌ترین نقاشان ایرانی بود که در اواخر دوره‌ی تیموریان زندگی می‌کرد.

پرسش و جست‌وجو

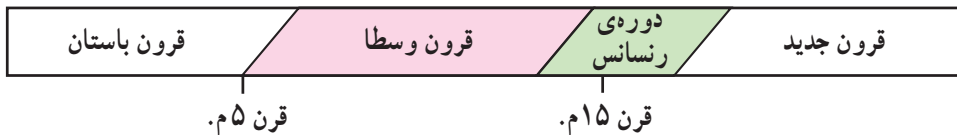


- ۱- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
 - الف - پس از شیخ خلیفه شاگردش راه او را ادامه داد.
 - ب - چنگیزخان هنگام تقسیم قلمرو خود، سرزمین را به جغتای داد.
 - ج - مسجد گوهرشاد توسط بنا گردید.
- ۲- رابطه‌ی بین گزینه‌ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :

سمرقند	شاهرخ
هرات	تیمور
خراسان	سربداران
- ۳- چگونگی آغاز قیام سربداران را بیان کنید.
- ۴- شیوه‌ی حکومتی شاهرخ با تیمور چه تفاوتی داشت؟ چرا؟

تاریخ اروپا در قرون وسطا (برای مطالعه)

هم‌زمان با ورود اسلام به ایران، در اروپا وضع طور دیگری بود. این دوره از تاریخ اروپا را که تقریباً مصادف با تاریخ ایران از اواخر دوره‌ی ساسانی تا پایان دوره‌ی تیموریان است، (قرن پنجم تا پانزدهم میلادی) قرون وسطا نامیده‌اند. علت این نامگذاری آن است که از نظر اروپاییان این دوره بین دو دوره از تاریخ آن‌ها یعنی قرون باستان (قدیم) و قرون جدید قرار گرفته و از آن‌ها متمایز است. قرون باستان به عصر تمدن یونان و روم گفته می‌شود و قرون جدید از زمانی آغاز می‌گردد که اروپاییان پس از قرن‌ها رکود، دوباره درصدد اصلاح وضع خود برآمدند. از جمله خصوصیات قرون وسطا حاکمیت کلیسا و فئودال‌ها^۱ بر جوامع اروپایی و هم‌چنین کم‌توجهی به علم و دانش و زندگی مردم است.



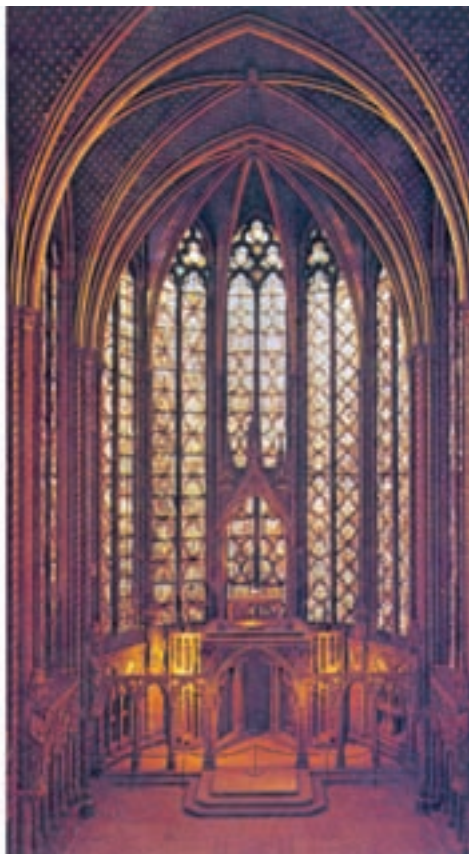
کلیسا و فئودالیسم، حاکمان قرون وسطا

با گسترش نفوذ مسیحیت در اروپا به‌تدریج کلیساها در جوامع اروپایی جایگاه خاصی پیدا کردند. پیشوایان مسیحیت با استفاده از این وضع، سلطه‌ی خود را بر جنبه‌های گوناگون زندگی مردم توسعه دادند. از قرن پنجم میلادی، به‌تدریج قدرت این گروه و به‌ویژه مقام پاپ^۲ – که مهم‌ترین آن‌ها بود – به اندازه‌ای افزایش یافت که پادشاهان نیز مطیع آن‌ها شدند و حتی در مراسم تاج‌گذاری تاج را از دست آن‌ها می‌گرفتند. حاکمیت رهبران مسیحی با نشر عقاید خرافی و اقدامات سخت‌گیرانه همراه بود. به‌همین دلیل باعث عقب‌ماندگی اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی اروپاییان می‌شد.

۱ – فئودال (Feudal) به زمین‌داران بزرگ گفته می‌شود که عده‌ای کشاورز بر روی زمین‌های آن‌ها کار می‌کردند. هر

فئودال معمولاً قلعه‌ای داشت که در آن زندگی می‌کرد.

۲ – پاپ به معنای پدر است.



نمونه‌هایی از کلیساهای قرون وسطا در فرانسه



یک مجموعه‌ی
فئودالی. در بالای
تصویر، قلعه و در قسمت
پایین آن، زمین‌های
کشاورزی دیده می‌شود.

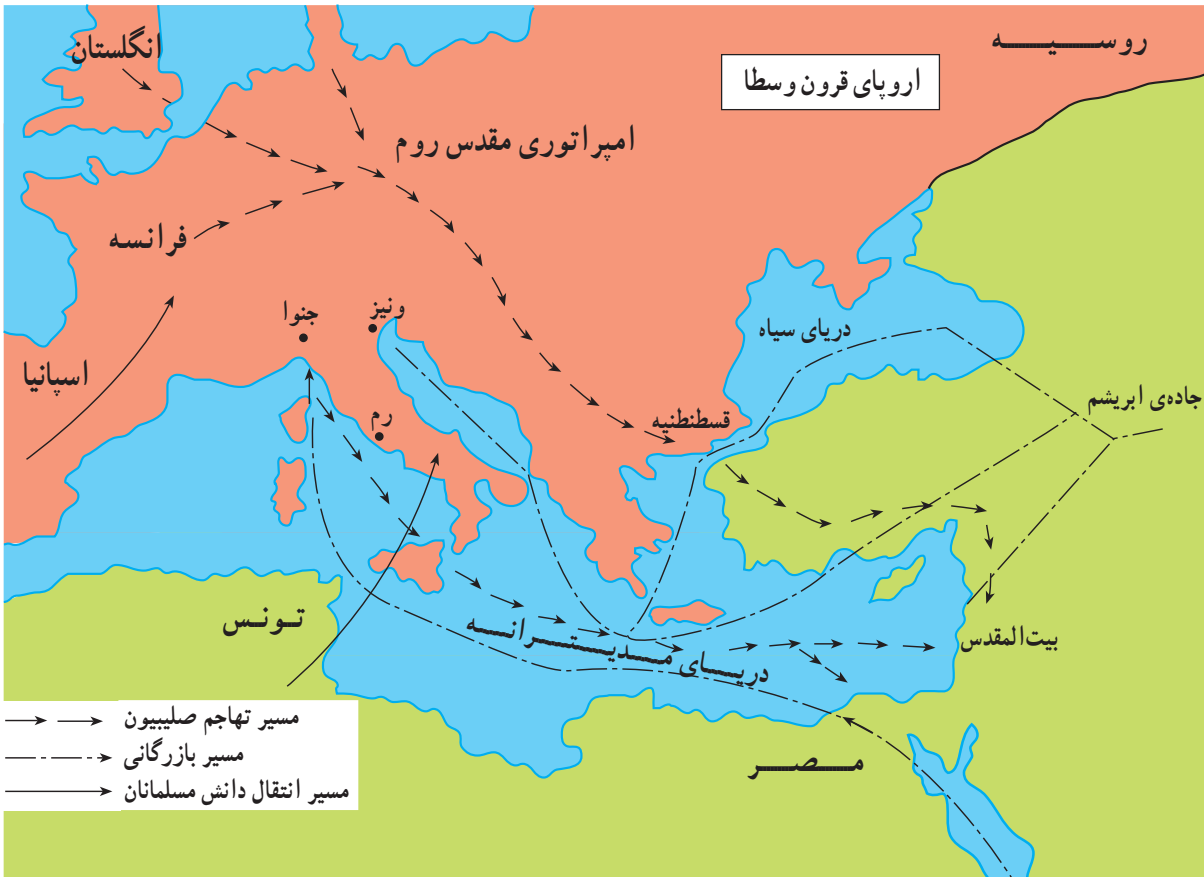
در قرون وسطا، رکن دیگر حاکمیت فئودال‌ها بودند که به دلیل داشتن زمین‌های وسیع ثروت و قدرت زیادی به دست آورده بودند. هر فئودال با به خدمت گرفتن تعدادی کشاورز و سرباز و با ساختن یک قلعه، برای خود نوعی حکومت مستقل تشکیل می‌داد. نیروی نظامی فئودال‌ها، شوالیه‌ها^۱ بودند که بیشتر اوقات خود را در جنگ می‌گذراندند. فئودال‌ها به بهبود زندگی مردم و پیشبرد علم و دانش کمتر توجه می‌کردند.

آشنایی اروپاییان با مسلمانان و وقوع جنگ‌های صلیبی

در آخرین سال‌های قرن اول هجری (اوایل قرن هشتم میلادی) مسلمانان از طریق شمال آفریقا وارد نواحی جنوبی اروپا (اسپانیا و فرانسه) شدند و در آن‌جا، حکومت‌هایی را تشکیل دادند. همسایگی اروپاییان با مسلمانان، یکی از عوامل آشنایی آن‌ها با تمدن اسلامی و سپس استفاده از آن بود. از سوی دیگر در عصر سلجوقی، امپراتوری روم شرقی که در نبرد ملازگرد از سلجوقیان شکست خورده بود، از حکومت‌های اروپایی درخواست کمک کرد. این حکومت‌ها نیز چون گرفتار مشکلات اقتصادی بودند، فرصت را مناسب دیدند تا به بهانه‌ی کمک به روم شرقی به سرزمین‌های مسلمانان حمله کنند و مناطق آباد و ثروتمند را تصرف نمایند. پاپ هم دستور داد که چون بیت المقدس محلّ زندگی عیسی (ع) بوده است، باید از مسلمانان پس گرفته شود. بدین ترتیب، هجوم به جهان اسلام آغاز شد. سپاهیان مسیحی – که به دلیل نقش کردن صلیب بر روی لباس‌هایشان به «صلیبیون» معروف شدند – به سمت بیت المقدس حرکت کردند. آن‌ها در مسیر خود، به کشتار مردم و غارت اموال آن‌ها دست زدند و پس از تصرف بیت المقدس نیز بسیاری از مسلمانان را کشتند. این نبردها به جنگ‌های صلیبی مشهور شد. مدتی بعد، مسلمانان به فرماندهی صلاح الدین ایوبی بیت المقدس را باز پس گرفتند. سرانجام، جنگ‌های صلیبی با شکست اروپاییان پایان گرفت.

نتایج جنگ‌های صلیبی

هر چند اروپاییان در جنگ‌های صلیبی شکست خوردند اما این جنگ‌ها برای آن‌ها فوایدی نیز داشت. آنان با مشاهده‌ی تمدن عالی و فرهنگ پیشرفته‌ی مسلمانان متوجه عقب ماندگی خود شدند و در صدد برآمدند که از دستاوردهای علمی و فکری مسلمانان استفاده کنند. به همین منظور، بسیاری از کتاب‌های مسلمانان را در زمینه‌های فلسفه، پزشکی، ستاره‌شناسی، ریاضیات و



دیگر رشته‌های علمی به اروپا بردند و به زبان‌های اروپایی ترجمه کردند. علاوه بر این، کالاهایی مانند دارو، وسایل ستاره‌شناسی و کاغذ که مسلمانان اختراع کرده یا از پیشینیان خود گرفته بودند، از راه تجارت وارد اروپا شد. از دیگر نتایج جنگ‌های صلیبی آن بود که سلطه‌ی پاپ و فتودال به تدریج از میان رفت و اروپاییان توانستند با آزادی بیشتر به کسب ثروت و علم بپردازند. در نتیجه، اروپا وارد مرحله‌ی جدیدی از تاریخ خود شد. به همین جهت، اروپاییان این دوره را دوره‌ی تولد مجدد یا رنسانس^۱ نامیده‌اند. در واقع دوره‌ی رنسانس مرحله‌ی گذر از قرون وسطا به قرون جدید بود.

^۱ — Renaissance



یکی از تحولات مهمی که در عصر
رنسانس روی داد، اختراع ماشین چاپ به
وسیله‌ی گوتنبرگ بود. در این تصویر
گوتنبرگ و یک صفحه از یک کتاب چاپ
شده را می‌بینید.

پرسش و جست‌وجو



- ۱- جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید :
 - الف - از جمله خصوصیات قرون وسطا حاکمیت کلیسا و بر جوامع اروپایی بود.
 - ب - سپاهیان مسیحی به دلیل نقش کردن صلیب بر روی لباس‌هایشان به معروف شدند.
 - ج - مسلمانان در جنگ‌های صلیبی به فرماندهی بیت المقدس را بازپس گرفتند.
- ۲- رابطه‌ی بین گزینه‌ها را پیدا کنید و با خطی به هم وصل کنید :

دوران تولد مجدد	قرون باستان
حاکمیت کلیسا	رنسانس
عصر تمدن یونان و روم	قرون جدید
	قرون وسطا
- ۳- به چه دورانی از تاریخ اروپا قرون وسطا می‌گویند؟ (آغاز و پایان آن را بیان کنید.)
- ۴- مسلمانان از طریق کدام سرزمین وارد جنوب اروپا شدند؟
- ۵- دو بهانه‌ی اروپاییان برای آغاز جنگ‌های صلیبی چه بود؟
- ۶- جنگ‌های صلیبی چه نتایجی برای اروپاییان دربر داشت؟

فهرست منابع برای مطالعه بیشتر*

- آیتی، محمدابراهیم، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تصحیح و تعلیقات دکتر ابوالقاسم گرجی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر
- پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ کامل ایران، تهران، دنیای کتاب
- جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام، ۲ج، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- خضری، سیداحمدرضا، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، سمت
- احمدی بیرجندی، احمد، چهارده اختر تابناک، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی
- زرین کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام، تهران، امیرکبیر
- _____، روزگاران ایران، تهران، علمی
- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر
- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل ایران و اسلام، تهران، صدرا
- خیراندیش، عبدالرسول، تاریخ جهان (کتاب درسی دوره کاردانی)، وزارت آموزش و پرورش
- نهرو، جواهر لعل، نگاهی به تاریخ جهان، تهران، امیرکبیر

* ذکر این منابع به معنای تأیید همه مطالب آنها نیست. از آن جا که این منابع مکرر به چاپ رسیده‌اند، از ذکر تاریخ چاپ آنها خودداری شده است.



فهرست کتاب‌های مناسب و مرتبط با محتوای درسی

ردیف	نام کتاب	مؤلف/مترجم	ناشر	سال انتشار
۱	کتاب کار تاریخ دوم راهنمایی	جواد عباسی	مدرسه	۱۳۸۰
۲	دایرةالمعارف پرسش و پاسخ‌ها	مجید عمیق و حسین ایرانی	پیام آزادی	۱۳۸۳
۳	فرزانگان – جمشید کاشانی	حمید نوایی لواسانی	دفتر انتشارات کمک آموزشی	۱۳۸۰
۴	مجموعه تاریخ بخوانیم	جمعی از نویسندگان	مدرسه	۱۳۸۴-۱۳۸۰
۵	حکایت سلاح و جنگ در طول اعصار	ترجمه محمدحسین آریا	دلهام	۱۳۸۰
۶	حکایت سلاح و جنگ در طول اعصار	ترجمه سهیلا زمانی	دلهام	۱۳۸۰